

به خاطر انسانی‌ها:

سلام!

توصیه شده توسط  
گروه +۱۵

بجز در مسجدها  
زنبه، کنگور

### اینستاگرام ادبیات فارسی

تا حالا فکر کردی که اینستاگرام به چه دردی می‌خوره؟ همین الان که ازت اینو می‌پرسیم، شروع می‌کنی به فلسفه‌بافی از آرمان‌ها و ارزش‌هایی که به خاطرش باید اینستاگرام وجود داشته باشه و ما می‌تونیم اونجا انسانیت رو ترویج بدیم و با هم بنای بشریت رو بالا ببریم. خیلیا باهاش درآمد کسب می‌کنن و ... همینو آگه از ما درباره ادبیات بررسی، بهت می‌گیم ادبیات رسانه‌ست، مخصوصاً زمانای قدیم. الان آگه بلاگرها و اینفلوئنسرها و سلبریتی‌ها توی اینستاگرام اهداف سیاسی دارن و حرفای مختلف می‌زنن، فیلما و مستندای حرفای مختلف می‌زنن، در زمانای قدیم که این چیزا نبوده، شاعرا و نویسنده‌ها این حرفا رو می‌زدن، اما به تفاوت خیلی مهم وجود داره و اون اینه که شاعرا عموماً آدمای فرهیخته، تحصیل‌کرده و باشعوری بودن! نه اینکه فقط قیافه داشته باشن (اونم با هزارتا عمل جراحی، آرایش و ...) یا با به کارای خاک‌برسری یا مسخره‌بازی مخاطب جمع کنن، ولی خب شاعرای قدیم هم ابزاری دستشون بوده که با به پست (شعر) جدید، کلی لایک می‌خوردن و آگه زیادی سیاسی صحبت می‌کردن، زندانی، تبعید یا کشته می‌شدن. برا همین بعضیاشون جرئت بعضی حرفا رو نداشتن و بعضیاشون تبعید شدن یا حتی کشته شدن و بعضیا هم مجبور بودن تمثیلی و رمزآلود صحبت کنن که کسی بو نبیره منظورشون چیه. اما مگه همه شاعرا، سیاسی و ارزشی و ... بوده؟ مگه اینستاگرام همش سیاسی و ارزشیه؟ بعضی پیجا نکته‌های آموزنده دارن، آشپزی یاد میدن، یا اصلاً حس و حال شخصی فرد هستن و بعضی پیجا هم فقط عکسا و فیلمای قشنگ و سرگرم‌کننده یا خنده‌دار میدارن. فضای شعر هم همین بوده. بعضیا شعرای تعلیمی داشتن، بعضیا حس و حال عاشقی‌شونو تعریف می‌کردن، بعضیا با شعرشون انگار به فیلم نشون میدادن، بعضیا هنرهاشونو به نمایش میداشتن، بعضیا طبیعتو مثل به تابلو نقاشی توصیف می‌کردن، بعضیا برای خنده حرف می‌زدن و بعضیا با هم درگیر میشدن و همدیگه رو به اصطلاح اینستاگرامی دیس می‌کردن!!

حالا خودمونیم، آیا ادبیات فقط برای آرمان‌ها و ارزش‌هاست؟؟ خداوکیلی خیلیامون وقتی شعر یا به متن ادبی می‌خونیم، داریم ازش لذت می‌بریم و انرژی می‌گیریم، نه اینکه دنبال علم‌آموزی و ارزش باشیم، درست مثل مشغولیت تو اینستاگرام! ولی باز ما همون تفاوتی که بالاتر گفتیم، مهمه که آدم از کجا تغذیه بشه! آیا کسی که هر روز از خوردن آبگوشت لذت می‌بره با کسی که هر روز از خوردن سیب‌زمینی سرخ‌کرده با کلی روغن و نمک لذت می‌بره، به لحاظ سلامتی برابرن؟؟

حالا اینو جواب بده: مادر بزرگت از اینستاگرام بیشتر لذت می‌بره یا تو؟ نامردی آگه بگی مادر بزرگت! خب تو، پیچ و خم‌های اینستاگرام و ریزه‌کاریاشو و اصطلاحاتشو بلدی. مثلاً همین دیس کردن یا لایک کردن یا تعداد فالوور و ... پس بیشتر لذت می‌بری. حالا بچه‌های علوم انسانی هم که ادبیاتو بیشتر یاد می‌گیرن بیشتر لذت می‌برن؟ بعله، به عده هم حتی بعداً شعر می‌گن و از این رسانه ادبیات استفاده می‌کنن، به عده هم فقط لذت می‌برن. ببین، آگه می‌خوای از اینستاگرام ادبیات فارسی لذت ببری باید ریز و درشت کارو یاد بگیری، حالا چه بهانه‌ای بهتر از کنگور؟؟ مجبوریم و لذت می‌بریم. مثل اینکه به زور بخوان ببرنت به مسافرت تفریحی طولانی! خب پاشو برو حالشو ببر.



## ویژگی‌های کتاب ما

اولین و آخرین ویژگی موردنظر ما «واقعاً جامع بودن» کتابه. هر چی از جون کتابای علوم و فنون ادبی بخوای، توش پیدا میشه. هرچی نکته کنکوری بخوای هم توش پیدا میشه. البته اونقدر هم مدعی نیستیم! به ذره تواضع داریم! شاید به چیزایی خدای نکرده از دستمون در رفته باشه، ولی ما همه تلاشمونو کردیم. خوشحال میشیم اون چیزای دررفته رو هم با ما از طریق انتشارات درمبون بذاری.

اما ویژگی‌های خاص کتاب رو که فکر می‌کنیم باعث میشه از بقیه کتابای بازار بهتر بشه، برات اینجا لیست می‌کنیم:

■ مشاوره اول هر درس: ما اول هر درس برات نوشتیم اساساً چطوری باید این درسو بخونی و باهاش چیکار کنی و چه تأثیری تو کنکور و کنکورای آزمایشی داره. حتماً کمکت می‌کنه جاهای مهم رو بیشتر و بهتر بخونی.

■ درسنامه کامل و جامع، اما نه زیاد از حد: بعضی کتابا فقط به خلاصه بهت میدن که ازش سردرنمیزی، بعضیا هم زیادی توضیح میدن حوصلتو سر می‌برن و یهو دو تا نکته جا می‌مونه. ما سعی کردیم بین اینا باشیم.

■ عروض رو تو این کتاب می‌شنوی: ما برای یاد گرفتن وزن شعر به صورت سمعی (یا شنیدن) و لذت بیشتر از ادبیات، تو درسای وزن شعر، برات QRcode (رمزینه) رو گذاشتیم که با اسکن کردن اونا با گوشی همراهت می‌تونی به تمرینات حرفه‌ای برای شنیدن موسیقی وزنا و یادگیری حل تست بدون تقطیع برسی.

■ نحوه ورود به تست: ما تو درسنامه برات نوشتیم تست هر مبحث رو چطوری باید وارد بشی و چطوری حل کنی؛ یعنی تو رو با تستا ول نکردیم، کنارت هستیم و راهنماییت می‌کنیم.

■ طبقه‌بندی ریز و حرفه‌ای: ما تو رو با تستای یه درس رها نکردیم، هر درس رو به قسمتای ریزتر تقسیم کردیم که ذره ذره بهشون مسلط بشی و بهتر بتونی نتیجه بگیری.

■ تستای کنکوری: بعضی کتابا همه تستاشون نکته‌های پیچیده داره، مخصوصاً تو درسای سختی مثل اختیار شاعری در حالی که تو کنکور کلی سؤال وجود داره که عجیب و غریب نیست. ما کلی سؤال داریم که شبیه کنکوره و با مطالعه خوب درسنامه و حل اون تستا میتونی درصد قابل قبولی تو کنکور بیاری.

■ تستای سوپر حرفه‌ای: یه سری تستا هستن که خیلی حرفه‌ای‌تر از بقیه و گاهی گیج‌کننده میشن، ما کنار اونا برات علامت گذاشتیم (🔵) که اگه دنبال درصد ۱۰۰ هستی، سراغش بری، وگرنه بی‌خیالش بشی و خودتو بیخودی اذیت نکنی و گیج نشی.

■ اهمیت بیشتر به درسای مهم‌تر: وقتی یه درسی تو کنکور بیشتر ارزش سؤال میاد، خب ما هم بیشتر ارزش سؤال دادیم. کاری که خیلی کتابا نمی‌کنن و از همه درس‌ها به یه اندازه سؤال دادن. جایی که درس تمرین بیشتر بخواد هم بیشتر تمرین دادیم.

■ آزمونای جامع و تستای ترکیبی: آخر کتاب یه آزمون از هر فصل گذاشتیم که ویژگی‌های مروری و کنکوری داره، مثلاً تست قرابت معنایی، لغت یا حفظ بودن نام شاعرا رو داره. می‌تونی بذاریشون آخر آخر کتاب حل کنی. به علاوه اینکه برات سه تا آزمون جامع مطابق کنکور گذاشتیم که خودتو اواخر سال محک بزنی. تستای ترکیبی آرایه هم به صورت ضمیمه آخر بخش آزمون اومده.

■ پاسخنامه تشریحی حرفه‌ای: ما تو پاسخ تشریحی خیلی جاها نکته گفتیم، یه چیزایی رو برجسته کردیم حتی نحوه حل سریع‌تر سؤالو توضیح دادیم. گاهی هم تستا رو نقد کردیم و بعد جوابش رو نوشتیم.

■ داشتن ویژگی‌های بقیه کتابا: ما ویژگی‌های بقیه کتابا رو هم داریم؛ مثلاً کلی سؤال شناسنامه‌دار از کنکور سراسری و کنکورای آزمایشی داریم و کنکور ۱۴۰۰ رو در انتها داریم و...؛ پس وقتی این کتابو تهیه کردی، خیالت راحت باشه.

ایشالا هم موفق باشی، هم از امسال لذت ببری

# فهرست

۱



## علوم و فنون ادبی - دهم

- ۱- درس اول - مبانی تحلیل متن
- ۱۱- درس دوم - سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در شعر فارسی
- ۲۵- درس سوم - واج‌آرایی، واژه‌آرایی
- ۳۳- درس چهارم - تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن‌های اولیه هجری
- ۳۰- درس پنجم و هشتم - هماهنگی پاره‌های کلام، وزن شعر فارسی
- ۵۸- درس ششم - سجع و انواع آن
- ۶۵- درس هفتم - سبک و سبک‌شناسی (سبک خراسانی)
- ۷۵- درس نهم - موازنه و ترصیع
- ۸۲- درس دهم - زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم و ششم
- ۱۰- درس یازدهم - قافیه
- ۱۷- درس دوازدهم - جناس و انواع آن

فصل ششم

فصل نهم

فصل دهم

فصل یازدهم

فصل دوازدهم

۱۱۱

## علوم و فنون ادبی - یازدهم



- ۱۲۰- درس اول - تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم
- ۱۲۱- درس دوم - پایه‌های آوایی
- ۱۳۸- درس سوم - تشبیه
- ۱۵۰- درس چهارم - سبک‌شناسی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم (سبک عراقی)
- ۱۵۶- درس پنجم - پایه‌های آوایی همسان (۱)
- ۱۷۰- درس ششم - مجاز
- ۱۷۱- درس هفتم - تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های دهم و یازدهم
- ۱۸۵- درس هشتم - پایه‌های آوایی همسان (۲)
- ۱۹۸- درس نهم - استعاره
- ۲۱۲- درس دهم - سبک‌شناسی قرن‌های دهم و یازدهم (سبک هندی)
- ۲۲۱- درس یازدهم - پایه‌های آوایی همسان دولختی
- ۲۳۵- درس دوازدهم - کنایه

فصل ششم

فصل نهم

فصل دهم

فصل یازدهم

۲۳۳



## علوم و فنون ادبی - دوازدهم

- درس اول - تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم و سیزدهم ... ۲۴۴
- درس دوم - پایه‌های آوایی ناهمسان ۲۵۵
- درس سوم - مراعات نظیر، تلمیح و تضمین ۲۷۱
- درس چهارم - سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم و سیزدهم ... ۲۸۲
- درس پنجم - اختیارات شاعری (۱): زبانی ۲۹۲
- درس ششم - لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما ۳۱۲
- درس هفتم - تاریخ ادبیات قرن چهاردهم (دوره معاصر و انقلاب اسلامی) ۳۲۶
- درس هشتم - اختیارات شاعری (۲): وزنی ۳۴۰
- درس نهم - اغراق، ایهام و ایهام تناسب ۳۵۹
- درس دهم - سبک‌شناسی دوره معاصر و انقلاب اسلامی ۳۷۷
- درس یازدهم - وزن در شعر نیمایی ۳۸۶
- درس دوازدهم - حسن تعلیل، حس‌آمیزی و اسلوب معادله ۴۰۱

فصل یکم

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

آزمون‌ها



۲۱۷

پاسخ‌ها



۲۷۷

پاسخنامه کلیدی



۵۶۸

# فهرست موضوعی

## بخش دوم - آرایه‌های ادبی

- ۲۵ درس سوم - واج‌آرایی، واژه‌آرایی
- ۵۸ درس ششم - سجع و انواع آن
- ۷۵ درس نهم - موازنه و ترصیع
- ۱۰۷ درس دوازدهم - جناس و انواع آن
- ۱۳۸ درس سوم - تشبیه
- ۱۷۰ درس ششم - مجاز
- ۱۹۸ درس نهم - استعاره
- ۲۲۱ درس دوازدهم - کنایه
- ۲۷۱ درس سوم - مراعات نظیر، تلمیح و تضمین
- ۳۲۲ درس ششم - لف و نشر، تضاد و متناقض‌نما
- ۳۵۱ درس نهم - اغراق، ایهام و ایهام تناسب
- ۴۰۱ درس دوازدهم - حسن تعلیل، حس آمیزی...

## بخش اول - عروض و قافیه

- ۱۱ درس دوم - سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار...
- ۲۰ درس‌های پنجم و هشتم - هماهنگی...
- ۶۰ درس یازدهم - قافیه
- ۱۳۶ درس دوم - پایه‌های آوایی
- ۱۵۱ درس پنجم - پایه‌های آوایی همسان (۱)
- ۱۸۵ درس هشتم - پایه‌های آوایی همسان (۲)
- ۲۲۱ درس یازدهم - پایه‌های آوایی همسان...
- ۲۵۵ درس دوم - پایه‌های آوایی ناهمسان
- ۲۹۲ درس پنجم - اختیارات شاعری (۱): زبانی
- ۳۲۰ درس هشتم - اختیارات شاعری (۲): وزنی
- ۳۸۶ درس یازدهم - وزن در شعر نیمایی

## بخش سوم - تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی

- ۳۲ درس چهارم - تاریخ ادبیات پیش از اسلام و...
- ۶۵ درس هفتم - سبک و سبک‌شناسی...
- ۸۲ درس دهم - زبان و ادبیات فارسی در...
- ۱۱۰ درس یکم - تاریخ ادبیات فارسی در...
- ۱۵۰ درس چهارم - سبک‌شناسی قرن‌های هفتم...
- ۱۷۱ درس هفتم - تاریخ ادبیات فارسی در...
- ۲۱۲ درس دهم - سبک‌شناسی قرن‌های دهم و...
- ۲۳۴ درس یکم - تاریخ ادبیات قرن‌های دوازدهم...
- ۲۸۴ درس چهارم - سبک‌شناسی قرن‌های دوازدهم...
- ۳۲۶ درس هفتم - تاریخ ادبیات قرن چهاردهم...
- ۳۷۷ درس دهم - سبک‌شناسی دوره معاصر و...



سجع، مثل قافیه‌ست اما نه تو شعر، بلکه تو نثر. تو این درس باید به ذره با هجاها و تقطیع هجایی آشنا باشی (برای بخش سجع متوازن) و از اون طرف نباید این مبحث رو با قافیه قاتی کنی. قافیه به ذره سخت‌گیریش بیشتره و قواعد داره و بالا پایین زیاد داره، اما اینجا به ذره دورهمیه. قواعد قافیه قسنگه آگه رعایت بشه اما لزومی نداره هم‌وزنی هم تو اینجا از عروض راحت‌تر و دورهمی‌تره. ضمناً اینجا سجع درست و غلط نداریم، به عبارت یا سجع داره یا سجع نداره حالا به تیکه هم داریم، سجع تو شعر که مساوی قافیه درونیه هم اینجا می‌خونی هم تو قافیه ایتا رو پایین دقیق توضیح می‌دیم.

تو کتکوره چوریه؟ تو کتکوره این آرایه بازم مثل باقی آرایه‌ها تنهایی نمیاره. حتی بهت بگم که تو تست ترکیبی هم معمولاً نمیاره، می‌دونی چرا؟؟ چون این آرایه اصلش برای نثره، تو کتکوره هم چند قرن یک بار از نثر سؤال می‌پرسن.

پس تو تستای ترکیبی چی؟ از اونجایی که طبق افاضات بنده در پاراگراف بالا، سؤالاً عموماً از شعر میاد، بهتره که سجع تو شعر رو مسلط بشی، چندتا تست کافیه و اینکه آرایه خیییییلی خوبیه برای ورود به تست و راحت پیدا میشه، به علاوه اینکه کم کاربرد هم هست. تو کتکورای آزمایشی چطوره؟ با توجه به محدوده‌های بودن این کتکورا و هدفشون که بعضی مواقع یادگیریه، از نثر و شعر جفتش سؤال میاد، با به‌سری ریزه‌کاری تو پیدا کردن انواع سجع که تو درستمه (👉) یاد می‌گیری.

## سجع

**تعریف:** یکسانی دو کلمه در واج یا واج‌های پایانی، وزن یا هر دوی آن‌ها را سجع می‌گویند. یعنی در آرایه سجع، یا واج‌های آخر دو کلمه یکسان هستند یا دو کلمه وزن یکسانی دارند و یا هم در وزن و هم در حروف پایانی یکسان‌اند.

آرایه سجع در جایی دیده می‌شود که حداقل دو جمله داشته باشیم؛ زیرا سجع‌ها باید در پایان دو جمله بیایند تا آرایه سجع به‌وجود بیاید البته در جایی که بیشتر از دو جمله داریم، سجع ممکن است در پایان بیش از دو جمله قرار بگیرد و بیش از دو کلمه با یکدیگر سجع داشته باشند.

**پس** برای پیدا کردن کلماتی که سجع ساخته‌اند ابتدا باید جملات را مشخص کنیم و ببینیم آیا در پایان این جملات، کلماتی هستند که سجع بسازند؟  
**دو مثال زیر را ببین:**

«خردۀ مینا برخاکش ریخته و عقد ثریا در تاکش آویخته.»

همان‌طور که گفتیم، برای پیدا کردن سجع ابتدا باید جمله‌ها را مشخص و بعد جملات را مثل زیر جدا کنیم.



بعد از اینکه جمله‌ها را مشخص کردیم، کلماتی که در پایان جملات آمده را بررسی می‌کنیم. دو کلمه «ریخته» و «آویخته» در پایان دو جمله مشخص شده، آمده‌اند و واج‌های «یخته» در هر دو مشترک‌اند. در نتیجه این دو کلمه سجع ساخته‌اند.



در اینجا هم بعد از مشخص کردن جمله‌ها، سراج کلمات آخر جملات می‌رویم. کلمات «می‌شمارد»، «می‌ماند» و «می‌گذارد» سجع ساخته‌اند. در کلمات «می‌شمارد» و «می‌گذارد» هم واج‌ها یکسان‌اند و هم وزن‌ها، اما در کلمات «می‌شمارد» و «می‌گذارد» با «می‌ماند» فقط واج‌های انتهایی مشترک‌اند. پس در این عبارت دو نوع سجع داریم.

**نکته:** به کلماتی که در پایان جملات قرار می‌گیرند و سجع می‌سازند، «ارکان سجع» می‌گویند. در واقع سجع همان موسیقی برخاسته از ارکان سجع است. سجع هم در نثر و هم در شعر دیده می‌شود؛ البته سجع بیشتر در نثر استفاده می‌شود. فایده سجع در نثر، ایجاد موسیقی و در شعر افزایش موسیقی است. نثر و شعری هم که در آن سجع استفاده می‌شود، «مسجع» نامیده می‌شود.

متنظور از یکسان بودن وزن کلمات، این است که هجاهای دو کلمه از نظر تعداد و کمیت یکسان باشند؛ مثلاً شکل عروضی هجاهای هر دو کلمه «آفتاب و بیمتاک» به‌صورت «-ل-ل» است؛ پس این دو کلمه شرط هم‌وزن بودن را دارند و سجع می‌سازند.



جمله اول      جمله دوم  
«هر که با بزرگان ستیزد خون خود ریزد»

«کلمات «ستیزد» و «ریزد» آخر جملات آمده‌اند و واج‌های پایانی آن‌ها (د) در دو کلمه تکرار شده؛ پس این دو کلمه، ارکان سجع هستند و از نظر یکسان بودن واج‌های پایانی، سجع ساخته‌اند.

جمله اول      جمله دوم  
«دارای هزمی است متین و طبعی کریم»

«کلمات «متین» و «کریم» در آخر جملات آمده‌اند و وزن این دو کلمه، یکسان است (هجاهای دو کلمه به صورت «ل-ل-ا» است)؛ پس این دو کلمه ارکان سجع هستند و از نظر یکسان بودن وزن، سجع ساخته‌اند.

جمله اول      جمله دوم  
«از هر شاخی هزار ستاره تابان و در هر ستاره هزار سپهر حیران»

«کلمات «حیران» و «تابان» آخر جملات آمده‌اند و واج‌های پایانی (ان) و همین‌طور وزن آن‌ها یکسان است (هجاهای دو کلمه به صورت «-ه-ه-ا» است)؛ پس این دو کلمه از نظر یکسان بودن واج‌های آخر و وزن، سجع ساخته‌اند.

**نکته:** ارکان سجع همیشه کلمات پایانی جملات نیستند و ممکن است در آخر دو جمله، کلماتی عیناً تکرار شده باشد؛ پس برای اینکه سجع را پیدا کنی، اول کلماتی که عیناً در آخر دو جمله تکرار شده‌اند را کنار بگذار، بعد ببین کلمات قبلی سجع ساخته‌اند یا نه!

«داغیست که سوختن، مرهم اوست و باغیست که افروختن، شبنم اوست»

«اوست» در آخر دو جمله تکرار شده و برای رسیدن به ارکان سجع باید آن را کنار بگذاری، «مرهم» و «شبنم» ارکان سجع هستند و دو شرط سجع را دارند: یعنی هم واج‌های پایانی یکسان است (= م) و هم وزن یکسانی دارند. (هجاهای دو کلمه به صورت «-ه-ا» است)

«همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال نماید»

«نماید» در آخر دو جمله تکرار شده؛ پس آن را کنار بگذار. «کمال» و «جمال» ارکان سجع هستند و هر دو شرط سجع را دارند: یعنی هم واج‌های آخرشان یکسان است (مال) و هم وزن یکسانی دارند. (هجاهای دو کلمه به صورت «ل-ل-ا» است)

**نکته:** همان‌طور که گفتیم برای پیدا کردن سجع، کلمات کاملاً یکسان آخر جملات را کنار می‌گذاریم و کلمه قبل از آن را بررسی می‌کنیم. گاهی ممکن است فعل جمله دوم، به قرینه جمله اول حذف شده باشد؛ در این صورت کلمه قبل از فعل در جمله اول و کلمه آخر در جمله دوم، ارکان سجع هستند.

«آن دم که تو دیدی غم نانی داشتیم و امروز تشویش جهانی»

«کلمه‌های آخر دو جمله را ببین. نباید بگویی «داشتیم» و «جهانی» که سجع ندارند؛ نه! باید دقت کنی که «داشتیم» در آخر جمله دوم حذف شده؛ پس باید کلمات «نانی» و «جهانی» را در نظر بگیری که از نظر یکسانی واج‌های پایانی «انی» سجع دارند.

«مراد از نزول قرآن تحصیل سیرت خوب است نه ترتیل سورت مکتوب»

«در این جمله هم «است» از آخر جمله دوم حذف شده و باید کلمات «خوب» و «مکتوب» را در نظر بگیری. این دو کلمه از نظر یکسانی واج‌های پایانی «وب» سجع ساخته‌اند.

## انواع سجع

قبل‌تر اشاره کردیم که سجع می‌تواند سه نوع باشد انواع سجع عبارت‌اند از:

### سجع مُطَرَّف

در این نوع سجع، ارکان سجع در واج‌های پایانی یکسان‌اند اما وزن آن‌ها یکسان نیست؛ پس در این نوع سجع، یکسانی حروف پایانی مهم است.

«هر که در حال توانایی نکویی نکند، در وقت ناتوانی سختی بیند»

«هر دو جمله را ببین: کلمات «نکند» و «بیند» از نظر واج‌های پایانی (د) یکسان‌اند؛ پس سجع از نوع «مطرف» است.

«جان در حمایت یک دم است و دنیا وجودی میان دو عدم»

«فعل «است» از آخر جمله دوم به قرینه فعل جمله اول حذف شده و باید کلمات «دم» و «عدم» را در نظر بگیری. این دو کلمه از نظر واج‌های پایانی (م) یکسان‌اند؛ پس سجع از نوع «مطرف» است.

## سجع متوازن

اگر ارکان سجع، فقط هم‌وزن باشند ولی از نظر واج‌های پایانی مثل هم نباشند، سجع متوازن ساخته می‌شود: پس تنها نشانه‌ای که در این سجع می‌بینیم، هم‌وزن بودن است. (اگر می‌خواهی اسم این نوع سجع یادت بمونه، بدون که «متوازن» از ریشه «وزنه».)

«فلان را اصلی است پاک و طینتی است صاف.»

آخر دو جمله را ببین: کلمات «پاک» و «صاف» از نظر وزن یکسان‌اند (وزن هر دو به صورت «-ا-ا- است) ولی واج‌های پایانی یکسانی ندارند: پس سجع از نوع متوازن است.

«طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل است.»

فعل «است» در آخر هر دو جمله تکرار شده: آن را کنار بگذار. کلمات «عزیز» و «ذلیل» از نظر وزن یکسان‌اند (وزن هر دو به صورت «ا-ا-ا- است): پس سجع از نوع متوازن است.

## سجع متوازی

در این نوع سجع، ارکان سجع هم در وزن و هم در واج‌های پایانی یکسان‌اند: پس اگر دو سجع قبلی را روی هم بگذاری، می‌شود یک سجع متوازی!

«سنگ سراجة دل، به الماس آب دیده می‌سقیم و این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم.»

کلمات «می‌سقیم» و «می‌گفتم» از نظر واج‌های پایانی (سقیم) یکسان‌اند. علاوه بر این وزن دو کلمه هم یکی است و هجاهای هر دو کلمه به شکل «-ا-ا-ا- است»: پس این دو کلمه سجع متوازی ساختند.

«الهی بیاموز تا شریعت بدانیم، برافروز تا در تاریکی نمایم.»

کلمات «بدانیم» و «نمایم» از نظر واج‌های پایانی «انیم» و همچنین وزن یکسان‌اند (هجاهای دو کلمه هر دو به صورت «ا-ا-ا- است): پس این دو کلمه، سجع متوازی ساختند. همچنین کلمات «بیاموز» و «برافروز» سجع متوازی می‌سازند.

ارزش سجع متوازی، بیشتر از بقیه انواع سجع است؛ چون ارکان سجع هم حروف و هم وزن یکسانی دارند؛ پس طبیعتاً این هماهنگی بیشتر باعث می‌شود که سجع متوازی از نظر موسیقایی و شنیداری ارزش بیشتری داشته باشد.

## سجع در شعر

حالا که کامل به سجع در نثر مسلط شدی، باید سجع در شعر را هم یاد بگیری: البته همان‌طور که گفتیم سجع بیشتر در نثر استفاده می‌شود، اما ممکن است در شعر هم سجع داشته باشیم. سجع در شعر همان «قافیه شعر» است: پس برای پیدا کردن سجع در شعر باید قافیه را پیدا کنی.

**نکته:** کلماتی که در پایان مصراع‌ها آمده و در حرف یا حروفی مشترک‌اند را قافیه می‌گویند.

مثال زیر را ببین:

جان به فدای عاشقان خوش هوسی است عاشقی      عشق پرست ای پسر باد هواست مابقی

کلمات «عاشقی» و «مابقی» قافیه‌اند، در نتیجه ارکان سجع هم هستند. این دو کلمه از آنجا که هم در واج‌های پایانی و هم در وزن یکسان‌اند (وزن هر دو به صورت «-ا-ا-ا- است) سجع متوازی می‌سازند.

**نکته:** قافیه فقط در انتهای شعر نمی‌آید و ممکن است در درون مصراع هم قافیه داشته باشیم: به این صورت که اگر هر مصراع را به دو قسمت مساوی تقسیم کنیم، در آخر این قسمت‌ها هم می‌توانیم قافیه بیابیم که به این قافیه، قافیه درونی می‌گویند.

مثال زیر را ببین:

با همه وضع پیش و پس نیست کسی خلاف کسی      زشتی ما نمود و بس آینه را عدوی ما

با تقسیم کردن هر مصراع به دو قسمت، نتیجه زیر حاصل می‌شود:

مصراع ۱	با همه وضع پیش و پس	نیست کسی خلاف کسی
مصراع ۲	زشتی ما نمود و بس	آینه را عدوی ما

همان‌طور که معلوم است، شاعر در پایان این قسمت‌ها، کلمات «پس» و «بس» را به‌عنوان قافیه درونی آورده است. در نتیجه این‌ها را می‌توانیم به‌عنوان ارکان سجع در نظر بگیریم. این سه کلمه سجع متوازی ساخته‌اند چرا که هم در وزن (وزن هر سه به صورت «-ا-ا- است) و هم در واج‌های پایانی یکسان‌اند.

دیده عقل مست تو، چرخه چرخ پست تو      گوش طرب به دست تو، بی تو به سر نمی‌شود

کلمات «مست» و «پست» ارکان سجع در این بیت هستند. این سه کلمه سجع متوازی ساختند چرا که هم در وزن (وزن هر سه به صورت «-ا-ا- است) و هم در واج‌های پایانی یکسان‌اند.



نمونه تست:

وقتی می‌خواهی سجع رو تو بیت پیدا کنی، علاوه بر قافیه آخر مصراع‌ها، حواست به قافیه درونی هم باشه. تو این سؤال، البته باید نوع سجع این کلمات رو هم بررسی کنی؛ پس دیگه این تست سخت‌ترین تست این مبحثه.

۱. در همه ابیات به‌جز \_\_\_\_\_ تنها یک نوع سجع مشهود است.

- |  |  |
|--|--|
| ۱) گفتم به نیرنگ و فسون پنهان کنم ریش درون | پنهان نمی‌ماند که خون بر آستانم می‌رود     |
| ۲) ز وصال تو خمارم سر مخلوق ندارم          | چو تو را صید و شکارم، چه کنم تیر و کمان را |
| ۳) ای صاحب کرامت! شکرانه سلامت             | روزی تفقیدی کن درویش بی‌نوا را             |
| ۴) ای سروران را تو ستد بشمار ما را زان عدد | دانی سران را هم بود اندر تبع دنبال‌ها      |

پاسخ: گزینه ۱.

در این تست، ابتدا باید گزینه‌های را که کلمات سجع آن دو نوع هستند، مشخص کنید.

بررسی گزینه‌ها

- گزینه ۱: فسون با درون: سجع متوازی / درون و فسون با خون: سجع مطرف
- گزینه ۲: خمارم، ندارم و شکارم: سجع متوازی
- گزینه ۳: کرامت و سلامت: سجع متوازی
- گزینه ۴: ستد، عدد و بود: سجع متوازی

برای حل درست این تست، تو تعیین ارکان سجع خیلی دقت داشته باش.

۲. نوع سجع در کدام گزینه متفاوت است؟

- ۱) چون سلام نماز بدادم روی به بیمارستان نهادم.
- ۲) مبهم او به زبان من مکشوف است و مشکل او بر بیان من موقوف.
- ۳) الهی مکش این چراغ افروخته را و مسوز این دل سوخته را.
- ۴) اگر کاستی تلخ است از بوستان است و اگر عبدالله مجرم است از بوستان است.

پاسخ: گزینه ۳.

بررسی گزینه‌ها

- گزینه ۱: بدادم و نهادم: سجع متوازی
- گزینه ۲: مکشوف و موقوف: سجع متوازی («است» از پایان جمله دوم حذف شده است.)
- گزینه ۳: افروخته و سوخته: سجع مطرف («را» در پایان دو جمله تکرار شده و باید آن را حذف کنیم.)
- گزینه ۴: بوستان و بوستان: سجع متوازی («است» در پایان دو جمله تکرار شده و باید آن را حذف کنیم.)

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



## دست‌گیره



۲۵۲. کدام گزینه در مورد انواع «سجع» نادرست است؟  
 (۱) آرایه سجع مختص نثر است و در نظم کاربرد ندارد.  
 (۲) فایده سجع ایجاد موسیقی در نثر و افزایش موسیقی در شعر است.  
 (۳) «سجع» یکسانی دو واژه در واج پایانی و یا وزن و یا هر دوی آن‌هاست.  
 (۴) سجع به سه دسته «متوازی»، «مطرف» و «متوازن» تقسیم می‌گردد.
۲۵۴. سجع حاصل از واژه‌های کدام گزینه مطرف نامیده می‌شود؟  
 (۱) دیده - خریده  
 (۲) رفتار - گفتار  
 (۳) ضامن - خوان  
 (۴) پایان - سامان
۲۵۵. سجع با استفاده از واژگان کدام گزینه، موسیقایی‌ترین سجع محسوب می‌شود؟  
 (۱) حاشا - تماشا  
 (۲) سراپرده - پرورده  
 (۳) خاک - خار  
 (۴) صولت - رحمت
۲۵۶. سجع حاصل از واژگان کدام گزینه از لحاظ موسیقایی ارزش بیشتری دارد؟  
 (۱) سزادق - تصادق  
 (۲) حساب - حصار  
 (۳) هنگام - آشیان  
 (۴) تنبور - زور
۲۵۷. کدام گروه کلمات زیر سجع نمی‌سازند؟  
 (۱) زمانه - ترانه  
 (۲) ترانه - مه  
 (۳) خیانت - دعوت  
 (۴) دعوت - شاغل
۲۵۸. بهترین کلمه‌ای که از میان کلمات زیر با «آسایش» سجع می‌سازد کدام است؟  
 (۱) سازش  
 (۲) همایش  
 (۳) نمایش  
 (۴) پالایش
۲۵۹. از کلمات زیر کدام یک هیچ‌گونه سجعی با واژه «رادمرد» ندارد؟  
 (۱) خواب‌گرد  
 (۲) نیک‌بخت  
 (۳) سرد  
 (۴) مرگ

## شناسایی سجع

۲۶۰. در کدام گزینه «سجع» به کار نرفته است؟  
 (۱) شب را به بوستان یکی از دوستان اتفاق مبیبت افتاد.  
 (۲) یار موافق بود و ارادت صادق.  
 (۳) فلان عزم کرده است و نیت جزم.  
 (۴) سنگ سراجچه دل به الماس آب دیده می‌سفتیم این بیت‌ها مناسب حال خود می‌گفتم.
۲۶۱. در کدام گزینه واژه‌های مشخص شده «سجع» نیستند؟  
 (۱) دیدمش دامنی گل و ریحان و ستبل و ضمیران فراهم آورده و آهنگ رجوع کرده.  
 (۲) محبت را غایت نیست: از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.  
 (۳) ظاهر درویشی، جامه زنده است و موی سترده.  
 (۴) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل در خشک نمیرد.
۲۶۲. در کدام گزینه سجع به کار نرفته است؟  
 (۱) هر چه نباید، دل‌بستگی را نشاید.  
 (۲) متکلمان را به کار آید و مترسلان را بلاغت بیفزاید.  
 (۳) گردش زمان، عیش ربیعش را به طیش خریف مبدل نکند.  
 (۴) گلستان را بقایی و عهد گلستان را وفایی نباشد.
۲۶۳. در کدام عبارت سجع به کار رفته است؟  
 (۱) دل او در پرده‌های گمراهی نهران و حق از وی زوی گردان.  
 (۲) بی‌خویشتن نشسته بود، خواجه‌وار و به یاری قبولش کردند.  
 (۳) خون در روی مالیدم تا در چشم شما سرخ‌روی باشم.  
 (۴) اطفال شاخ را به قدوم موسم ربیع کلاه شکوفه بر سر نهاد.
۲۶۴. در کدام گزینه آرایه لفظی سجع به کار نرفته است؟  
 (۱) اندک اندک خیلی شود و قطره قطره سیلی گردد.  
 (۲) این دلق موسی است مرقع و آن ریش فرعون مرصع.  
 (۳) چون به نفس خود هتتری ندارد با خاک برابر است.  
 (۴) قیمت شکر نه از نی است که آن خود خاصیت وی است.
۲۶۵. در همه گزینه‌ها به جز گزینه \_\_\_\_\_ سجع به کار رفته است.  
 (۱) پایان این آشتایی ندامت بود و دستاورد آن اندوه و حسرت.  
 (۲) جرعه اندوه به کامم می‌ریزید و کار را به هم درمی‌آمیزید.  
 (۳) دلیم از دست شما پر خون است و سینه‌ام مالمال خشم شما مردم دون.  
 (۴) هر کسی کار را به گردن دیگری انداخت تا آنکه از هر سو به شما تاخت آوردند.
۲۶۶. در همه گزینه‌ها به جز \_\_\_\_\_ سجع به کار رفته است.  
 (۱) از اندوه بیرون نیاید که آماج تیر بلایید.  
 (۲) با آنان بستیزید که رستگاریتان در آن است.  
 (۳) چه جای ملامت است که در دیده من شایسته کرامت است.  
 (۴) به خواری محکوم و از عدالت محروم.
۲۶۷. در همه گزینه‌ها به جز \_\_\_\_\_ آرایه سجع مشهود است.  
 (۱) صیاد بی‌روزی، ماهی در دجله نگیرد و ماهی بی‌اجل، در خشک نمیرد.  
 (۲) نصیحت پادشاهان کردن، کسی را مسلم بود که بیم سر ندارد یا امید زر.  
 (۳) با چندین فضیلت که دست راست را هست، خاتم در انگشت چپ می‌کنند.  
 (۴) ارادت بی‌چون، یکی را از تخت شاهی فرو آرد و دیگری را در شکم ماهی، نکو دارد.

اسرار (۸)



۲۶۸. در همه گزینه‌ها «سجع» وجود دارد؛ به جز

- (۱) صحبت تو روح است و نزدیکی تو نور.
- (۲) اما زنده به تو، هم زنده و هم زندگانی است.
- (۳) الهی عذر ما بپذیر و بر عیب‌های ما مگیر.
- (۴) خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم.

### انواع سجع

۲۶۹. در کدام گزینه «سجع متوازن» وجود دارد؟

- (۱) همه کس را عقل خود به کمال نماید و فرزند خود به جمال.
- (۲) دولت نه به کوشیدن است؛ چاره کم جوشیدن است.
- (۳) هیزم درویشان خریدی به حیف و توانگران را دادی به طرح. (طرح: حيله)
- (۴) سر عشق نهفتی است نه گفتی و بساط مهر پیمودنی است نه نمودنی.

۲۷۰. در کدام عبارت «سجع مطرف» وجود دارد؟

- (۱) ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیزگاران کمال یابد.
- (۲) هر که دشمن کوچک را حقیر می‌شمارد، بدان ماند که آتش اندک را مهمل می‌گذارد.
- (۳) هر دیده که به او ننگرد بدوخته باد و هر دل که محبت او ندارد سوخته یاد.
- (۴) برادر که در بند خویش است، نه برادر و نه خویش است.

۲۷۱. در کدام گزینه «سجع متوازن» به کار رفته است؟

- (۱) تا او نخواهد صبا پرده گل نشکفاند و باد گیسوی شمشاد نچسباند.
- (۲) ملک بی‌دین باطل است و دین بی‌ملک ضایع.
- (۳) هر که با بدان نشیند، نیکی نبیند.
- (۴) عتاق طاققت درویش از دست رفته بود و درهای آسمان بر زمین بسته.

۲۷۲. ارزش موسیقایی سجع‌های کدام عبارت بیشتر است؟

- (۱) بدان که هر جا گل است خار است و بر سر گنج مار است.
- (۲) و همی وعظ گفتم با جماعتی دل مرده که ره از عالم صورت به معنی نبرده.
- (۳) دریغ آمدم تربیت ستوران و آینه‌داری در محلت کوران.
- (۴) مروت ندیدم در چنان حالی ریش درویش را به ملامت خراشیدن و نمک پاشیدن.

۲۷۳. در عبارت «به حکم ضرورت، سخن گفتیم و تفرج کنان بیرون رفتیم در فصل ربیعی که صولت برد آرمیده بود و آوان دولت ورد، رسیده» کلمه‌های سجع، کدام‌اند؟

- (۱) (سخن و بیرون) - (صولت و دولت)
- (۲) (صولت و ضرورت) - (آرمیده و رسیده)
- (۳) (گفتیم و رفتیم) - (آرمیده و رسیده)
- (۴) (گفتیم و رفتیم) - (بود و رسیده)

۲۷۴. ارزش موسیقایی سجع در کدام گزینه بیشتر است؟

- (۱) جوابش نگفتم و سر از زانوی تعبد برنگرفتم.
- (۲) آزرمن دوستان جهل است و کفارت یمین سهل.
- (۳) طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل است.
- (۴) ذوالفقار علی در نیام و زبان سعدی در کام.

۲۷۵. در کدام گزینه آرایه سجع متوازی موجود است؟

- (۱) از عیب مصفایی، از شریک مبرایی.
- (۲) بر همه چیز دانایی، به تو زبید ملک خدایی.
- (۳) جان‌داروی دل‌هایی، مستندشین استغنائی.
- (۴) یکتای بی‌همتایی، قیوم توانایی.

۲۷۶. نوع سجع در کدام عبارت متفاوت است؟

- (۱) سخن بدین جا رسانیده که درویش را دست قدرت بسته است و توانگر را پای ارادت شکسته.
- (۲) فی الجمله بنشستم و از هر دری سخن پیوستم تا حدیث زلت یاران در میان آمد.
- (۳) خداوند تعالی همان خلق را برو گمارد تا دمار از روزگارش برآرد.
- (۴) گفت محال است که هنرمندان بمیزند و بی‌هنران جای ایشان بگیرند.

۲۷۷. در کدام گزینه سجع ارزش موسیقایی کمتری دارد؟

- (۱) در کجاوه انیس من بودی و در حجره جلیس.
- (۲) دوستی را که به عمری فرا چنگ آرند نشاید که به یک دم بیازارند.
- (۳) توانگری به هنر است نه به مال و بزرگی به عقل است نه به سال.
- (۴) مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال.

۲۷۸. در عبارت زیر، واژه‌های کدام گزینه، طرفین سجع نیستند؟

«در همان یحبوحه بخور بخور که منظره فنا و زوال غاز خدا بیامرز، مرا به یاد بی‌ثباتی فلک بوقلمون و شقاوت مردم دون و مکر و فریب جهان پتیاره و وقاحت این مصطفای بدقواره انداخته بود، باز صدای تلفن بلند شد. بیرون جستم و فوراً برگشتم.»

- (۱) جستم، برگشتم
- (۲) پتیاره، بدقواره
- (۳) بوقلمون، دون
- (۴) فنا، خدا

۲۷۹. نوع سجع به کار رفته در همه گزینه‌ها به جز \_\_\_\_\_ «متوازی» است.

- (۱) بی‌آدن او چشمه در کهسار نجوشد و بی‌اجازت او شیر در بیشه نخروشد.
- (۲) به گرسنگی مردن به که حاجت پیش کسی بردن.
- (۳) درویشی راستیدم که در آتش فاقه می‌سوخت و خرقة بر خرقة می‌دوخت.
- (۴) فلان در این شهر طبعی کریم دارد و گرمی عمیم. (عمیم: کامل)

۲۸۰. کدام گزینه برای پر کردن عبارت زیر ارزش موسیقایی بیشتری دارد؟

- «گفتا: به عزت عظیم و صحبت \_\_\_\_\_ که دم بر نیارم و \_\_\_\_\_ بر ندارم، مگر آن‌گه که سخن گفته شود به عادت مألوف و طریق \_\_\_\_\_.»  
 (۱) قدیم، قدم، معروف (۲) جدید، قدم، مشهور (۳) جدید، دست، مشهور (۴) قدیم، دست، معروف

۲۸۱. نوع سجع مقابل کدام گزینه درست است؟

- (۱) چهل کلمه از آن اختیار کردم، از آن نیز بهره‌ای به دست نیاوردم. (متوازی)  
 (۲) چشم از بیگانگان دور دارند و روی از نامحرمان مستور. (متوازن)  
 (۳) سه چیز آورده‌ام که غیر ملوک را نباید و غیر سلاطین را نشاید. (متوازی)  
 (۴) خاصیت عشق همیشه بلا و رنج است و عاشق همه‌وقت محنت‌کش و بلاستج. (متوازن)

۲۸۲. سجع کدام گزینه از لحاظ موسیقایی ارزش کمتری دارد؟

- (۱) اگر روزی من بمیرم خدای تعالی ملکی بدتر از من را بر شما گمارد.  
 (۲) نوح هزار سال در جهان به سر برده است و امروز پنج هزار سال است که مرده است.  
 (۳) باید که جز علمی را فرانگیری که به ترک آن بزه‌مند میری.  
 (۴) هر آش و نان که بینی از طبیعت تو شهوت آن خیزد و طامعه تو با ایشان درآویزد.

۲۸۳. در کدام گزینه واژگان مشخص شده به وجود آورنده آرایه سجع نیستند؟

- (۱) آنکه از جمال عقل محبوب است خود به نزدیک اهل بصیرت معذور باشد. (۲) یار از برای روز محنت باید و گرنه برای روز راحت یار بسیار است.  
 (۳) هر که را خلق با خلق نه نیکوست پوست بر بدن او زندان لوست. (۴) گفته‌ای خلیفه، انتقام بر گناه عدل است و تجاوز از آن فضل.

۲۸۴. در کدام گزینه آرایه «سجع متوازی» دیده نمی‌شود؟

- (۱) ظن آن شخص فاسد شد و بازار ایتان کاسد.  
 (۲) هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید.  
 (۳) دل از این دانه وحشت برهاند و گردن از کمتد آن ابلیس صیاد بجهاند.  
 (۴) متکلم را تا کسی عیب نگیرد، سختش صلاح نپذیرد.

### سجع در شعر

۲۸۵. کدام بیت مسجع نیست؟

- (۱) تنگ شکر را ماند این سودای سر را ماند این  
 (۲) در سینه‌ها برخاسته اندیشه را آراسته  
 (۳) ز تو چو یاد کنم وز ملوک یاد کنم  
 (۴) من نه آن صورت پرستم کز تمنای تو مستم

۲۸۶. نوع سجع موجود در کدام گزینه در مقابل آن نادرست نوشته شده است؟

- (۱) هر که شیرینی فروشد مشتری بر وی بجوشد  
 (۲) مه نعل سمّ مرکبش گردون روان در موکبش  
 (۳) هر کسی را دلربایی همچو ذره در هوایی  
 (۴) از سرو گویم یا چمن از لاله گویم یا سمن

۲۸۷. نوع سجع به‌کار رفته در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) بر گرد ماهش می‌تم بی لب سلامش می‌کنم  
 (۲) رستم از خوف و رجا عشق از کجا شرم از کجا  
 (۳) مشک بیتد ای سقا می‌نبرد خنک ما  
 (۴) ای عشق خنک همجو گل‌وی خوش‌نظر چون عقل کل

۲۸۸. در کدام بیت قافیة درونی (سجع در شعر) به‌کار رفته است؟

- (۱) سلسله عاشقان با تو بگویم که چیست  
 (۲) ما ره به کوی عاقبت دانیم و منزلگاه انس  
 (۳) جشنی ز نوروز عجم کاراستش جمشید جم  
 (۴) شکر که آن ماه را هر طرفی مشتری است

۲۸۹. نوع سجع کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) ای دل ز اوضاع جهان بیگانه شو بیگانه شو  
 (ب) از اهل دنیا نیستی در فکر عقبی نیستی  
 (ج) یک چند در خواب گران بردی به سر چون غافلان  
 (د) تا در حریم زلف او گسستخ گردی هم‌چو بو  
 (۱) ب، ج (۲) الف، ج

- خود را زمین بر می‌زنم زان پیش کاو گوید صلا  
 ای خاک بر شرم و حیا هنگام پیشانی است این  
 کوزه ادراک‌ها تنگ از این تنگت (ختب: نوعی طرف شراب)  
 خورشید را درکش به جل ای شهسوار هل اتی (جل: نوعی پوشش)

- بسا آن نگار خانگی همخانه شو همخانه شو  
 دست از دو دنیا برقشان دیوانه شو دیوانه شو  
 چندی دگر در عاشقی افسانه شو افسانه شو  
 با صد زبان در خامشی چون شانه شو چون شانه شو

(۳) ب، د

(۴) ج، د

# تاریخ ادبیات فارسی در قرن‌های هفتم، هشتم و نهم



این درس سه بخش کلی دارد که با هم اشتباه میشه و حتماً باید کنار هم بخونی: ۱. ویژگی قرن‌های هفتم، هشتم و نهم ۲. شاعران و آثارشون مربوط به کدوم قرن هستن ۳. ویژگی هر اثر چیه؟ (نویسنده، موضوع، نظم یا نثر بودن و...) این درس رو هم جدی بگیر، چون مهم‌ترین شاعرای ادبیات فارسی مربوط به این دوره هستن و نکات حفظی ریز هم زیاد داره. **توصیه کلی درسای تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی:** درس رو قسمت قسمت بخون تا بیشتر یادت بمونه؛ یعنی هر بخشی که می‌خونی، به روز بعد تستش رو بزن و بخش دوم رو بعدش بخون و دوباره فرداش تست اون بخش رو بزن. برای همین ما برات تست رو دسته‌بندی کردیم. اگه بخوای همه درس رو پشت سر هم بخونی، حفظ کردنش سخت‌تر میشه.

مشاوره

## مقدمه

سال قبل ضمن مطالعه قرن‌های اول تا ششم هجری، خوندید که بعضی عوامل سیاسی و اجتماعی باعث ایجاد زمینه تغییر سبک از خراسانی به عراقی شدن. تو این درس قراره علل و نتایج تغییر سبک رو بررسی کنیم و ببینیم اثرات حمله مغول توی زبان فارسی چی بوده و در کل، ادبیات تو اون دوران چه وضعیتی داشته. نهایتاً هم با شاعران قرن هفتم، هشتم و نهم آشنا بشیم. بریم سراغ درس. وضعیت قرن هفتم رو ببین:

## قرن هفتم

همان‌طور که گفتیم یک‌سری عوامل زمینه‌های تغییر سبک را فراهم می‌کنند. این عوامل را ببین:

### زمینه‌های تغییر سبک در متون زبان فارسی

۱. روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی
  ۲. تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان به عراق عجم
- علاوه بر این اگه یادت باشه فهمیدیم که کم‌کم:

سبک‌های بیتابین و آذربایجالی از سبک خراسانی فاصله می‌گیرند و رفته‌رفته سبک عراقی شکل می‌گیرد.

🔊 **نوحه:** سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اوایل قرن دهم به مدت ۲۰۰ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.

ابتدای قرن هفتم (۶۱۶ ه.ق)، مغول به ایران حمله میکنه! این حمله تأثیرات خیلی مهمی به جا میذاره که در ادامه توضیح می‌دیم.

### اثرات حمله مغولان به نواحی مرزی ایران در اوایل قرن هفتم

۱. آسیب به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی
۲. ویرانی خراسان (کانون فرهنگی ایران) و از بین رفتن بسیاری از مدارس که مهد علم و فرهنگ بودند.
۳. کشته شدن بزرگانی مثل نجم الدین کبری، فرید الدین عطار نیشابوری و کمال الدین اسماعیل
۴. نابودی بنیان فرهنگ و اخلاق
۵. سرخورده و مأیوس شدن دوستداران فرهنگ و اخلاق و پناه بردن شاعران به تصوف
۶. روی آوردن به ادبیاتی مبتنی بر تساهل (= آسان گرفتن پر یکدیگر)، تسامح (= مدارا)، خدمت به خلق، آزادگی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا برای تسکین روحیه و رسیدن به آرامش
۷. برجیده شدن حکومت آخرین خلیفه عباسی (المستعصم بالله)

— پیامد این اتفاق: از رواج افتادن زبان عربی و توجه به زبان فارسی که زبان توده مردم بود.

کمال الدین اسماعیل که در سال ۶۲۵ ه.ق به دست مغولان در اصفهان کشته شد، درباره قتل عام سال ۶۲۲ ه.ق شعر زیر را سروده است:

کس نیست که تا بر وطن خود گرید      بر حال تباه مردم بد گرید  
دی بر سر مرده‌ای دو صد شیون بود      امروز یکی نیست که بر صد گرید

سبک این دوره «عراقی» نامیده میشه. دلایل این نام‌گذاری رو در ادامه ببین:



### دلایل نام‌گذاری سبک این دوره به عراقی

- 1- انتقال کانون‌های فرهنگی از خراسان به عراق عجم بعد از حمله مغول (هرچند از زمان سلجوقیان نشانه‌های تغییر سبک آغاز شده اما در آن زمان خراسان هنوز به‌طور کامل ویران نشده بود).
  - 2- عمده شاعران و نویسندگان بزرگ در این دوره از اهالی شهرهای عراق عجم (اصفهان، همدان، ری، اراک و...) بودند.
- حمله مغول که بهش اشاره کردیم موجب سستی و نابسامانی تو ادبیات شد. دلایل این سستی به‌طور دقیق‌تر در ادامه آورده شده:

### دلایل سستی و نابسامانی وضعیت زبان و ادبیات فارسی

- 1- کشته و یا متواری شدن دانشمندان و ادیبان
  - 2- نبودن دربارهای ادب‌دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور
- البته تو این دوره عواملی هم موجب رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و دانشمندان شد که اینها هستن:

### عوامل مثبت پس از حمله مغول که موجب رشد ادبیات شدند

- 1- انتقال قدرت از خراسان به عراق عجم
- 2- پیامد: گسترش زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم
- 3- پدید آمدن آثار ارزشمندی در حوزه‌های ری، فارس، همدان و اطراف آنها
- 4- ایجاد زمینه‌هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی
- 5- پدید آمدن قالب‌های جدید در شعر و نثر

بریم سراغ مشخصات شعر این دوره:

### مشخصات شعر این عصر (قرن هفتم)

- ویژگی شعر: 1 نرم و دلنشین بودن 2 برخوردار از معانی عمیق و آسمانی
- در این دوره اکثر شاعران از حاکمان روی گردان می‌شدند.
- پیامد این اتفاق: کم‌رنگ شدن قصیده (که در خدمت ستایش فرمانروایان بود) و رواج غزل (که زبان دل و عشق بود).
- مثنوی برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان، میدان وسیعی ایجاد کرد.

1- **توجه:** در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌ای عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.

تو این دوره نثر هم دو جریان مهم داره که در ادامه می‌بینی:

### جریان‌های نثر این دوره (قرن هفتم)

- 1- ساده‌نویسی: در آثاری مثل طبقات ناصری و مرصادالعباد
- 2- پیچیده‌نویسی: با محتوای تاریخ حاکمان وقت، در آثاری مثل تاریخ و صاف و تاریخ جهانگشای جوینی

### معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم

در این بخش می‌خواهیم به معرفی معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم همراه با ذکر آثارشان بپردازیم:

### مولانا جلال الدین بلخی معروف به مولوی



- از شاخص‌ترین شاعران عارف
- او آثار جاودانه‌ای در دو محور اندیشه و احساس خلق کرده است.
- مولوی در مثنوی معنوی و دیوان شمس بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی را بیان کرده است.
- آثار مثنوی مولانا
  - قیه‌ماقیه
  - مجالس سبعه
  - مکاتیب (مجموعه نامه‌های مولانا)

1- **توجه:** این اثر را خود مولانا نوشته است و سبک نثر وی را بیشتر نشان می‌دهد.

سعدی

ویژگی‌ها

- ۱ فرمانروای ملک سخن
- ۲ سختگوی ضمیر خودآگاهی ایرانی در ادبیات تعلیمی
- ۳ سرآمد شاعران و نویسندگان زبان فارسی در سرودن غزل‌های عاشقانه
- ۴ سفر به مناطق مختلف و تجربه‌اندوزی در طی سی و پنج سال
- ۵ طبع آزمایی در بیشتر قالب‌ها و نوشتن شاهکارهای ماندگار در ادب فارسی

آثار

- گلستان (نثر مسجع)
- بوستان (قالب مثنوی)
- موضوع: اخلاق و حکمت



فخر الدین عراقی

ویژگی: سرودن غزل‌های عرفانی زیبا

آثار

- مثنوی عشاق‌نامه (اثر مشهور): بیان مباحث عرفانی در هر فصل کتاب (هر فصل این کتاب با تمثیل و حکایت تمام می‌شود.)

لمعات: بیان سیر و سلوک عارفانه در قالب نظم و نثر



نجم الدین رازی (معروف به نجم دایه)

از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره

اثر: مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد

موضوع: سلوک دین و تربیت نفس انسانی

ویژگی‌های نثر

- ۱ گاه ساده و گاه دارای سجع و موازنه
  - ۲ شیوا، آراسته و دل‌انگیز
  - ۳ کاربرد آیات، احادیث و اشعاری از خود و دیگران در بین موضوعات
- این کتاب مرتبه‌ای والا در میان متون عارفانه دارد.



عظام‌لک جوینی

۱ نثرنویس قرن هفتم از خاندانی با نفوذ در حکومت مغولان

از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعدد حضور داشت.

کسب اطلاعات فراوان در مورد تاریخ مغولان و حضور در سفرهای متعدد، موجب تألیف

کتاب تاریخ جهانگشا شد.

اثر

جهانگشای جوینی

نوع نثر: مصنوع و دشوار

موضوع: شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح

قلعه‌های اسماعیلیه و شرح حکومت جانشینان حسن صباح



خواجه رشید الدین فضل‌الله همدانی

۱ چهره علمی و سیاسی در عصر ایلخانان ۲ وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو

اقدام مهم فرهنگی: تأسیس عمارت ربع رشیدی در تبریز (در حکم دانشگاه آن زمان)

مهم‌ترین اثر: جامع التواریخ (ویژگی نثر کتاب: عالمانه و پخته)



شمس قیس رازی

نویسنده زبردست قرن هفتم

اثر معروف: المعجم فی معاییر اشعار العجم

ویژگی نثر: در مقدمه دارای نثر مصنوع و در اصل کتاب دارای نثری ساده و عالمانه

عنوان مهم: نخستین و مهم‌ترین اثر در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر



تا اینجا با مشخصات شعر و جریان‌های نثر و همچنین با شاعرا و نویسندگانی که در قرن هفتم آشنا شدی، حالا باید وضعیت ادبیات و ویژگی‌های شاعران و نویسندگان مهم تو قرن هشتم رو ببینی:

## قرن هشتم

در قرن هشتم فرصت بروز عقاید مختلف فراهم شد. چگونگی ایجاد این فرصت را ببین:

### دلایل ایجاد فرصت بروز عقاید مختلف در قرن هشتم

- 1- بی‌اعتقادی برخی از ایلخانان مغول
- 2- بی‌تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج

### اتفاقات مهم قرن هشتم

- قلمرو بالتدگی زبان و فرهنگ فارسی، عرصه وسیعی پیدا می‌کند: به طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر بسیاری به زبان فارسی سخن می‌گفتند.
- عراق عجم و به ویژه شهر شیراز همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به‌شمار می‌رود.
- دربارهای ادب‌دوست ایرانی‌تبار از میان می‌رود: در نتیجه قصیده‌سرایی از رونق می‌افتد و زبان شعر جز در سروده‌های شاعران شاخص مثل خواجه و حافظ به نستی گرایش پیدا می‌کند.

### معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هشتم

در این قسمت می‌خواهیم به معرفی معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن هشتم همراه با ذکر آثارشان بپردازیم:

#### خواجه کرمانی

- غزل‌پرداز برجسته قرن هشتم
- او چند مثنوی به پیروی از پنج‌گنج نظامی سروده است.
- این مثنوی‌ها نشان‌دهنده استادی خواجه در شاعری است.
- غزل خواجه بر حافظ تأثیرگذار بوده است.
- شعر او در مجموع کمال یافته و پخته است.

#### ابن یمین

- 1- شاعر عصر سربداران 2- مردی دهقان‌پیشه
- قدرت شاعری: قطعات اخلاقی
- محتوای اشعار: تأکید بر قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیا

ابیات زیر را ببین:

مرد آزاده در میان گروه  
محترم آنگهی تواند بود  
وان که محتاج خلق شد، خوار است  
گرچه در علم، بوهلی سیناست  
گرچه خوش‌خو و مائل و داناست  
که از ایشان به مالش استغناست

#### حافظ

- شاعر سرآمد قرن هشتم
- حافظ با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید.
- لحن اشعار: گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح‌طلبی
- ویژگی غزل: نمود فرهنگ گذشته ایران با همه کمال ایرانی - اسلامی خود
- تعبیر حافظ از شعر خودش: «بیت‌الغزل معرفت»

بیت زیر را ببین:

شعر حافظ همه بیت‌الغزل معرفت است  
آفرین بر نفس دلکش و لطف سخنش

#### سلیمان ساوجی

- ویژگی‌ها
- 1- توجه به سعدی و مولوی در غزل
- 2- دارای قصایدی به سبک عراقی
- اثر: مثنوی جمشید و خورشید (به شیوه داستان‌های نظامی)





### عبید زاکانی



او در نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی معروف است.  
او ناملايمات اوضاع روزگار خود را برنمی‌تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می‌کشید.

آثار

رسالة دلگشا، اخلاق الاشراف، صد پند (هر سه مثنوی)

شیوه بیان این آثار: طنز

منظومه موش و گربه

موضوع: بیان ناهنجاری‌های اجتماعی

شیوه بیان: طنز و تمثیل

### حمدالله مستوفی



از مورخان مشهور ایرانی

اثر: تاریخ گزیده (موضوع: دربرگیرنده تاریخ پیامبران (ص)، خلفای چهارگانه، خلفای بنی‌عباس و تاریخ

ایران تا سال ۷۲۰ ه‍.ق)

حالا بریم سراغ قرن نهم. در ادامه نکاتی در مورد وضعیت فرهنگ و ادب در قرن نهم بیان می‌کنیم.

## قرن نهم

بعد از حمله مغول، ایران مورد حمله تیمور گورکانی قرار گرفت و بر اثر آن ابنیه فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور به‌طور کلی نابود شد و آنچه که پس از حمله مغول سالم یا نیمه‌سالم مانده بود، مثل فارس و یا در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیاتی یافته بود، همه از میان رفت. تیموریان تقریباً از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت می‌کردند و ویرانگری‌های آن‌ها ادامه داشت. بازماندگان تیمور (مثل بازماندگان چنگیز) کم‌وبیش از فرهنگ ایرانی تأثیر می‌گرفتند و رفته‌رفته متمدن می‌شدند.

### رخدادهای مهم در عصر جانشینان تیمور

پس از مرگ تیمور، شاهرخ شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار داد. او به‌دلیل علاقه‌اش به هنر و فرهنگ اسلامی از هنرمندان خوش‌نویس، نقاش و شاعر حمایت کرد. پس از شاهرخ پسرش بایستقر میرزا که هنرمند و هنردوست بود، به فرمانروایی رسید. در زمان او قرآن کریم و شاهنامه فردوسی با خطی خوش و تصاویری زیبا آراسته شد و همچنین آثار ماندگاری از هنر اسلامی عرضه شد. رخدادهای مهم این عصر عبارت‌اند از:

۱ گسترش هنرهایی مثل مینیاتور، معماری و تذهیب

۲ رواج تاریخ‌نویسی

۳ رونق ادبیات و تألیف کتاب‌های ارزشمندی توسط جامی و دولتشاه

۱. سطحی بودن کتاب‌های تحقیقی ۲. تقلیدی و فاقد نوآوری بودن ادبیات شد.

### معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن نهم

در این بخش می‌خواهیم به معرفی معروف‌ترین شاعران و نویسندگان قرن نهم همراه با ذکر آثارشان بپردازیم.

#### جامی



معروف‌ترین شاعر قرن نهم

آثار

بهارستان: به تقلید از گلستان سعدی

نفحات الانس: به کار بردن سبک تذکرةالاولیای عطار در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان

مثنوی تحفة الاحرار: به پیروی از نظامی

شعر زیر را ببین:

گفت به مجنون صمنی در دمشق	کای شده مستغرق در یای عشق
عشق چه و مرتبه عشق چیست؟	عاشق و معشوق در این پرده کیست؟
عاشق یکرنگ و حقیقت‌شناس	گفت: که ای محو امید و هراس
نیست به جز عشق در این پرده کسی	اول و آخر همه عشق است و بس



### شاه نعمت‌الله ولی

۱. شاعر قرن نهم ۲. دارای مقام بلند در تصوف و طریقت و سرسلسله صوفیان نعمت‌اللهی  
اثر: دیوان شعر (سرشار از مضامین عرفانی)

### دولت‌شاه سمرقندی

از نویسندگان قرن نهم  
اثر: تذکره دولت‌شاه: شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف  
اثر: **نوحه**: این اثر به تشویق امیر علیشیر نوایی نوشته شده است.

### نمونه تست:

این تست رو آوردم که حساب کار دستت بیاد و متن رو حسابی، جزئی بخونی و هیچ نکته‌ای رو جا نذاری.  
۱. توضیح مقابل کدام اثر نادرست است؟

- (۱) نجات‌الانس: به شیوه تذکره الاولیای عطار و در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان است.
- (۲) جمشید و خورشید: در قالب مثنوی است و به شیوه داستان‌های نظامی سروده شده است.
- (۳) جامع التواریخ: این کتاب نثری عالمانه و پخته دارد.
- (۴) تاریخ گزیده: موضوع این کتاب، تاریخ پیامبران (ص) و تاریخ ایران تا سال ۸۳۰ هـ ق است.

### پاسخ: گزینه (۴)

تاریخ گزیده مربوط به قرن هشتم است و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ هـ ق در برمی‌گیرد.

تو این تست هم باید محتوای شعر ابن‌یمین رو بدونی و هم محتوا رو با بیت تطبیق بدی؛ یعنی ترکیب حفظیات و تحلیل.  
۲. با توجه به محتوای اشعار ابن‌یمین، کدام بیت سروده اوست؟

- |                                   |                                |
|-----------------------------------|--------------------------------|
| (۱) اسیرش نخواهد رهایی ز بند      | شکارش نجوید خلاص از کمتند      |
| (۲) جهان نرزد عاقل نیرزد بدان     | که بارش نهی بر دل خویشتن       |
| (۳) خدایا تو دانی که بر ما چه آمد | خدایا تو دانی که ما را چه شد؟  |
| (۴) روی تو خوش می‌نماید آینه ما   | کاپته پاکیزه است و روی تو زیبا |

### پاسخ: گزینه (۳)

محتوای اشعار ابن‌یمین، قناعت‌پیشگی و بی‌اعتباری دنیاست. این بیت هم بر بی‌اعتباری دنیا تأکید کرده است.

## پرسش‌های چهارگزینه‌ای



### ویژگی قرن‌ها

۴۸۰. سبک عراقی از اوایل قرن \_\_\_\_\_ تا اوایل قرن \_\_\_\_\_ به مدت \_\_\_\_\_ سال سبک غالب متون ادب فارسی بود.  
(۱) هفتم - دهم - ۳۰۰ (۲) ششم - نهم - ۳۰۰ (۳) هفتم - نهم - ۲۰۰ (۴) ششم - دهم - ۴۰۰
۴۸۱. کدام گزینه از مقدمات ایجاد سبک عراقی نیست؟  
(۱) روی کار آمدن حکومت‌های غزنوی و سلجوقی  
(۲) تغییر مرکز ادبی و سیاسی از خراسان  
(۳) فاصله گرفتن سبک بیتابین از آذربایجان  
(۴) حمله مغول
۴۸۲. کدام یک از شاعران و نویسندگان زیر از جمله کسانی که در پورش مغولان گشته شده است، نبود؟  
(۱) عطار نیشابوری (۲) نجم‌الدین کبری (۳) عطاملک جوینی (۴) کمال‌الدین اسماعیل
۴۸۳. درباره شعر و نثر عصر عراقی کدام گزینه درست است؟  
(۱) شعر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و زمینی شد.  
(۲) در این دوره قصیده و مثنوی جای خود را به غزل داد.  
(۳) قالب مثنوی، میدانی قراح برای عاطفه، اخلاق و عرفان بود.  
(۴) محتوای کتاب‌هایی که نثر ساده داشتند، بیشتر تاریخی بود.
۴۸۴. همه گزینه‌ها به جز \_\_\_\_\_ درباره وضعیت شعر قرن هفتم درست است.  
(۱) شعر بر عواطف انسانی، خدمت به خلق، آزادی و اعتقاد به بی‌ثباتی دنیا تکیه داشت.  
(۲) در این دوره اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند و قصیده کمرنگ شد.  
(۳) غزل در این دوره گسترش یافت و قالب مثنوی نیز برای ظهور عاطفه و اخلاق و عرفان رواج یافت.  
(۴) زبان عربی در اواخر دوره مغول مورد توجه قرار گرفته و رواج و رونق بیشتری یافت.

۴۸۵. ابیات زیر درباره چه سالی سروده شده است و به چه موضوعی اشاره دارد؟

کس نیست که تا بر وطن خود گیرد / بر حال تپناه مردم بسد گیرد  
دی بر سر مرده‌های دو صد شیون بود / امروز یکی نیست که بر صد گیرد

(۱) ۶۲۳ هـ.ق - قتل عام تیمور (۲) ۶۳۵ هـ.ق - قتل عام مغولان (۳) ۶۳۳ هـ.ش - قتل عام تیمور (۴) ۶۳۵ هـ.ش - قتل عام مغولان

۴۸۶. چه عاملی موجب رواج فرهنگ، تسامح و تساهل، در قرن هفتم هجری گردید؟

(۱) فاصله گرفتن شاعران از دربار و آوارگی آن‌ها  
(۲) با حمله ویرانگر مغولان و بعد از آن، هجوم وحشیانه تیمور  
(۳) تغییر مرکز ادبی از خراسان به نواحی مرکزی ایران  
(۴) نابودی فرهنگ و اخلاق و بی‌توجهی حاکمان به ادب دوستان و شاعران

۴۸۷. کدام گزینه پیرامون سبک عراقی و مسائل اجتماعی آن درست است؟

(۱) سبک عراقی از سبک بیتابین و خراسانی فاصله گرفت تا سبک آذربایجانی از دل آن زاده شد.  
(۲) سبک عراقی از اوایل قرن هفتم تا اواخر قرن دهم سبک غالب متون فارسی بود.  
(۳) با حمله مغولان به ایران، خراسان ویران شد و مدارس مهم از بین رفتند.  
(۴) نجم‌الدین کبری از کسانی بود که در قتل عام اصفهان کشته شد.

۴۸۸. در اواخر دوره مغول

(۱) بساط حکومت آخرین خلیفه عباسی (الناصر بالله) برچیده شد.  
(۲) رونق زبان عربی و مغولی مانند قبل ادامه پیدا کرد.  
(۳) زبان فارسی رونق بیشتری یافت.  
(۴) مردم رفته‌رفته به عرفان پناه می‌بردند.

۴۸۹. پیرامون سبک عراقی کدام گزینه نادرست است؟

(۱) در این دوره زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت.  
(۲) در این دوره فقط با همان قالب‌های قدیمی شعر سروده می‌شد.  
(۳) در این دوره زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت.  
(۴) انتقال قدرت از خراسان به عراق اتفاق مثبتی برای ادبیات بود.

۴۹۰. همه گزینه‌ها بیانگر وضعیت شعر در قرن هشتم هجری است؛ به جز

(۱) زبان شعر نرم و دلنشین شد و به اوج کمال خود رسید و انواع قالب‌ها به‌ویژه مثنوی‌سرایی چیره گشت.  
(۲) بی‌اعتقادی و بی‌تعصبی برخی از ایلخانان مغول به مذاهب رایج، فرصتی پدید آورد تا صاحبان مذاهب مختلف عقاید خود را ابراز کنند.  
(۳) قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی عرصه وسیعی یافت به‌طوری که از شبه‌قاره هند تا آسیای صغیر به این زبان سخن می‌گفتند.  
(۴) از بین رفتن دربارهای ادب‌دوست ایرانی‌تبار، از رونق افتادن قصیده‌سرایی را در پی داشت و زبان شعر به سستی گرایید، جز در سروده‌های خواجه و حافظ.

۴۹۱. مهم‌ترین مرکز ادبی قرن هشتم کدام شهر است؟

(۱) شیراز (۲) اصفهان (۳) هرات (۴) همدان

۴۹۲. پیرامون ویژگی اجتماعی، تاریخی و ادبی قرن هشتم، کدام گزینه نادرست است؟

(۱) در این دوره صاحبان مذاهب مختلف عقاید خود را ابراز کردند.  
(۲) قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی عرصه وسیعی یافت.  
(۳) مناطقی از عراق عجم هنوز مرکز ادبی این عصر به‌شمار می‌رفت.  
(۴) در این دوره، برای مدت کوتاهی قصیده‌سرایی رواج یافت.

۴۹۳. کدام گزینه درباره اوضاع قرن نهم درست است؟

(۱) بازماندگان تیمور و چنگیز مانند خود آنان ایران را ویران کردند.  
(۲) در زمان شاهرخ میرزا، قرآن کریم و شاهنامه به خط خوش نگاشته شد.  
(۳) کتاب‌های تحقیقی این دوره کمال فرهنگ ایرانی - اسلامی را نشان می‌دهد.  
(۴) در این عصر، هنرهای مینیاتور، معماری و تذهیب گسترش یافت.

## شاعران و نویسندگان

۴۹۴. کدام توضیح درباره مولوی و آثار او نادرست است؟

(۱) مکاتیب، مجموعه نامه‌های اوست.  
(۲) در مثنوی و دیوان شمس معارف بسیاری بیان کرده است.  
(۳) مجالس سبعة را گفته و شاگردان نوشته‌اند.  
(۴) قیه ما فیه سبک نثر او را بهتر نشان می‌دهد.

۴۹۵. همه آثار منثور زیر به جز \_\_\_\_\_ مربوط به قرن هفتم از سبک عراقی است.

(۱) کشف المحجوب (۲) مرصاد العباد (۳) تاریخ جهانگشا (۴) طبقات ناصری

۴۹۶. توضیحات زیر مربوط به کدام شاعر است؟

«سی و پنج سال گرد جهان گشت. دو اثر اصلی او به ما درس حکمت و اخلاق می‌آموزد.»

(۱) مولوی (۲) سعدی (۳) نجم‌الدین رازی (۴) فخرالدین عراقی

۴۹۷. در مثنوی \_\_\_\_\_ اثر فخرالدین عراقی \_\_\_\_\_

(۱) عشاق‌نامه - هر فصل را با تمثیل و حکایت به پایان آورده است.  
(۲) لمعات - هر فصل را با تمثیل و حکایت به پایان آورده است.  
(۳) عشاق‌نامه - سیروسلوک را به نظم و نثر بیان کرده است.  
(۴) لمعات - سیروسلوک را به نظم و نثر بیان کرده است.

۴۹۸. توضیحات زیر مربوط به کدام شخص است؟

«از منشیان و نویسندگان توانا و عارفان وارسته است که کتاب او در میان متون عارفانه از مرتبه‌ای والا برخوردار است.»

(۱) نجم‌الدین رازی (۲) نجم کبری (۳) مولوی (۴) خواجه رشیدالدین

۴۹۹. پیرامون سعدی کدام گزینه نادرست است؟

(۱) گلستان او به نثر مسجع و بوستان او در قالب مثنوی است.  
(۲) در غزلیات عاشقانه و عارفانه سرآمد است.  
(۳) او در بیشتر قالب‌های ادبی طبع آزمایی کرده است.  
(۴) او در ادبیات تعلیمی نیز دستی دارد.



۵۰۰. توضیح از شاخص ترین شاعران عارف که در دو محور اندیشه و احساس آثار جاودانه پدید آورده است، مربوط به کدام شاعر است؟  
 (۱) سعدی (۲) نجم الدین رازی (۳) مولانا بلخی (۴) فخرالدین عراقی

۵۰۱. کدام گزینه درباره تاریخ جهانگشا درست است؟

- (۱) سبک نثر آن مانند تاریخ و صاف است.  
 (۲) نویسنده آن وزیر غازان خان و اولجایتو بود.  
 (۳) از آثار مهم قرن هشتم به شمار می آید.  
 (۴) به پیروی از تاریخ گزیده نوشته شده است.

۵۰۲. پیرامون شمس قیس رازی و اثرش کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) اثر معروف او المعجم فی معاییر اشعار العرب است.  
 (۲) از نخستین و مهم ترین کتاب های موضوع خود است.  
 (۳) نثر کتاب ساده و عالمانه است.  
 (۴) موضوع کتاب، عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است.

۵۰۳. پیرامون کتاب «مرصاد العباد» کدام گزینه صحیح است؟

- (۱) نویسنده آن از افراد بانفوذ حکومت مغولان است.  
 (۲) نثر کتاب گاه ساده و گاه دارای سجع و موازنه است.  
 (۳) در میان کتاب اشعاری فقط از دیگران نقل کرده است.  
 (۴) این کتاب درباره تاریخ عارفان بزرگ است.

۵۰۴. همه آثار زیر نثر آمیخته به نظم هستند؛ به جز \_\_\_\_\_

- (۱) تذکرة الاولیای عطار (۲) گلستان سعدی (۳) لمعات فخرالدین عراقی (۴) مرصاد العباد نجم الدین رازی

۵۰۵. همه آثار کدام گزینه به نثر است؟

- (۱) نجات الانس - المعجم - رساله دلگشا  
 (۲) تاریخ گزیده - جامع التواریخ - تحفة الأحرار  
 (۳) صد پند - مرصاد العباد - بوستان  
 (۴) فیه ما فیه - مجالس سبعة - جمشید و خورشید

۵۰۶. پیرامون کتاب تاریخ جهانگشا کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) سبب تألیف کتاب، حضور نویسنده در سفرها و دربار مغولان بود.  
 (۲) نثر این کتاب، مصنوع و دشوار است.  
 (۳) موضوع این کتاب، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه های اسماعیلیه و حکومت جالشپتان حسن صباح است.  
 (۴) اقدام مهم فرهنگی نویسنده این کتاب تأسیس ریح رشیدی بوده است.

۵۰۷. در قرن هشتم، زبان شعر جز در شاعرانی مانند \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ به سستی گرایید.

- (۱) ابن یمین - خواجه (۲) حافظ - خواجه (۳) حافظ - سلمان ساوجی (۴) سلمان ساوجی - ابن یمین

۵۰۸. ابن یمین مردی \_\_\_\_\_ بود که قدرت شاعری خود را در \_\_\_\_\_ نشان داده است.

- (۱) دهقان پیشه - قطعات اخلاقی (۲) عارف پیشه - غزلیات اخلاقی (۳) دهقان پیشه - غزلیات عرفانی (۴) عارف پیشه - قطعات عرفانی

۵۰۹. عبارت مقابل مربوط به کدام شاعر است؟ از سر آمدان شعر قرن خود است. با تلفیق عشق و عرفان، غزل فارسی را به کمال رسانید.

- (۱) حافظ (۲) سلمان ساوجی (۳) فخرالدین عراقی (۴) خواجه کرمالی

۵۱۰. توضیحات زیر درباره کیست؟

«از خاندان های بانفوذ در دوره مغولان بود. از نوجوانی به کارهای دیوانی می پرداخت.»

- (۱) عطاملک جوینی (۲) خواجه رشیدالدین فضل الله (۳) شمس قیس رازی (۴) حمدالله مستوفی

۵۱۱. شعر زیر در چه قالبی سروده شده است و شاعر آن در کدام موضوع مشهور است؟

- «مرد آزاده در میان گروه  
 محترم آنگهی تواند بود  
 وان که محتاج خلق شد خوار است  
 گرچه در علم بوعلی سیناست»  
 (۱) مثنوی - عرفان (۲) قطعه - اخلاقیات (۳) قطعه - عشق (۴) مثنوی - حماسه

۵۱۲. کدام دو اثر از یک نویسنده نیست؟

- (۱) رساله دلگشا، اخلاق الاشراف (۲) نجات الانس، تحفة الأحرار (۳) عشاق نامه، لمعات (۴) تاریخ و صاف، تاریخ جهانگشا

۵۱۳. عبارت «نخستین و مهم ترین اثر در علم عروض، قافیه، بدیع و نقد شعر است که نثری ساده و عالمانه دارد.» مربوط به کدام است؟

- (۱) المعجم فی معاییر اشعار العجم (۲) پنج گنج (۳) رساله دلگشا (۴) تذکرة دولتشاه

۵۱۴. کدام گزینه در مورد «مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد» نادرست است؟

- (۱) نثر کتاب گاهی ساده و گاهی دارای سجع و موازنه است.  
 (۲) این اثر در بین متون عارفانه از مرتب های والا برخوردار است.  
 (۳) این اثر متعلق به نجم الدین کبری از نویسندگان توانا و عارفان وارسته قرن هفتم است.  
 (۴) موضوع این کتاب در بیان سیروسلوک دین و تربیت نفس انسانی است.

۵۱۵. کدام شاعر بر حافظ بیشتر تأثیرگذار بوده است؟

- (۱) خواجه کرمالی (۲) سعدی (۳) عبید زاکانی (۴) مولوی

۵۱۶. کدام گزینه از موضوعات مشترک تاریخ گزیده و تاریخ جهانگشا است؟

- (۱) تاریخ پیامبران (۲) تاریخ خلفای بتی عباس (۳) تاریخ صدر اسلام (۴) تاریخ خوارزمشاهیان

# اختیارات شاعری (۱): زبانی



مشاوره

این درس، درس نکته‌داریه. حذف همزه رو بذاریم کنار، چون این بحث رو که تو تقطیع خوندی و تستم زدی، اینجا هم به کم تست بزنی کافیه. درباره تغییر کمیت مصوت‌ها که کلاً ۲ تا مهارت باید بگیریم مسلط بودن به وزن‌ها خیلی کمک می‌کنه؛ چون توی هر وزنی ممکنه از اختیارات زبانی استفاده بشه. مخصوصاً اگه با تقطیع پیش میری حتماً باید پایه اصلی وزن‌ها رو بلد باشی، تا هر جا که تقطیع بیت با اصل وزن متفاوت بود، تشخیص بدی؛ پس اگه این کار رو بلد نیستی، اول برو درس‌های عروض یازدهم و درس ۲ دوازدهم رو حسابی مسلط شو، بعد بیا سراغ این درس. البته راهکارهایی برای بعضی تست‌ها وجود ناره که بهت کمک می‌کنه، اما چون تپش توی کنکور یکی دو تا تست از این مبحث میاد، ممکنه اون راهکارها به درد نخوره. اگه می‌خواهی سماعی پیش بری این نوید رو بدیم که لزومی نداره همه وزن‌ها رو بلد باشی، بلکه فقط کافیه بتونی شعر رو درست و توی ریتم بخونی، حتی اگه نتونی تشخیص بدی این ریتم برای کدوم وزن بود. البته بهترین حالت اینه که وزن‌ها رو هم مسلط باشی. ما به سری تست دست‌گرمی ابتدای درس گذاشتیم که اگه اونا رو چندین و چند بار سعی کنی با خوندن و بدون تقطیع حل کنی احتمالاً این مطلب برات جا میفته. بعد از اون برو سراغ تست‌های مراحل بعدی.

## مقدمه



آموزش و تمرین سماعی

تا اینجا یاد گرفتیم که دو مصراع به بیت باید از دید ضرب‌آهنگ و چینش نشانه‌های هجایی مطابقت و همخوانی کامل داشته باشن؛ یعنی هجاهای دو مصراع از نظر تعداد و کوتاهی و بلندی باید کاملاً مشابه هم باشن. به همین دلیل که گوش آشنا به وزن شعر، از شنیدن آن، موسیقی گوش‌نوازی رو درک می‌کنه.

گر من بمیرم در غمت خونم بتا بر گردنت فردا بگیرم دامنت از من چرا رنجیده‌ای؟

پایه‌های آوایی	گر	من	ب	می	زم	خر	غ	مت	خو	نم	ت	تا	بر	غر	د	نت
	فر	دا	ب	گی	زم	دا	م	تت	از	من	چ	را	زن	جی	د	ای
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وزن	مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			

همان‌طور که می‌بینی، هجاهای دو مصراع به‌طور کامل از نظر تعداد و از نظر کوتاهی و بلندی، با هم مطابقت دارند. اگر هجاهای این بیت را هم به‌صورت ۴+۴ تقسیم کنیم، وزن «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» به دست می‌آید.

آیا تا حالا با بیت‌هایی برخورد کردی که بعضی هجاهای آن با وزن اصلی جور درنیاید؟ مثلاً وقتی بیت را تقطیع می‌کنی یک هجا کوتاه است، اما وقتی آن را با وزن مطابقت می‌دهی، می‌بینی که این هجا باید بلند باشد یا برعکس. مثال زیر را ببین:

ای سرو خوش‌بالای من ای دلبر رهسای من لعل لب‌ت حلواي من از من چرا رنجیده‌ای؟

پایه‌های آوایی	ای	سر	و	خُش	با	لا	ی	من	ای	دل	ب	ر	زع	نا	ی	من
	لَع	ل	ل	بَت	خَل	وا	ی	من	از	من	چ	را	زن	جی	د	ای
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	U	U	-	-	U	-
وزن	مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			مستفعلن			

وزن این بیت به‌صورت «مستفعلن مستفعلن مستفعلن مستفعلن» است و دسته‌های هجایی آن هم باید به‌صورت «-U- / -U- / -U- / -U- / -U-» باشد، اما همان‌طور که می‌بینی هجای دوازدهم مصراع اول و هجای دوم مصراع دوم برخلاف این نظم، کوتاه‌اند، در حالی که باید بلند باشند. دلیل این اتفاق را جلوتر می‌فهمی. این یک اختیار است.

**نکته:** برای تشخیص وزن، قدم اول درست خواندن بیت، قدم دوم نوشتن خط عروضی و قدم بعدی تقطیع بیت است. بعد از این مراحل، اختیارات شاعری باید اعمال شوند تا وزن بیت به صورت صحیح مشخص شود.

## اختیارات شاعری

شاعر همیشه ملزم به رعایت نظم در همه مصراع‌هاست؛ یعنی وقتی تصمیم گرفت شعری را در وزن خاصی بسراید، همه هجاها باید مطابق با آن نظم باشند اما شاعر در سرودن شعر و رعایت وزن، بعضی اختیارات ویژه هم دارد؛ یعنی در مواردی شاعر می‌تواند یک زیرآبی‌هایی هم برود (۱) و از اختیارات خاص خودش استفاده کند. این اختیارات شاعری دو نوع هستند: ۱. اختیارات زبانی ۲. اختیارات وزنی

## اختیارات زبانی

**تعریف:** اختیاراتی هستند که در نحوه بیان و شیوه تلفظ اعمال می‌شوند؛ مثلاً شاعر مصوتی را به صورتی متفاوت تلفظ می‌کند. در این نوع اختیارات، شاعر در نوع بیان خود تغییراتی اعمال می‌کند.

اختیارات زبانی دو نوع هستند: ۱. حذف همزه ۲. تغییر کمیت مصوت‌ها  
بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه  
کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

در واقع، سه نوع اختیار زبانی وجود دارد که دو مورد متعلق به یک دسته است. ما این سه اختیار را به‌طور جداگانه بررسی می‌کنیم:

### حذف همزه

در بعضی از ابیات، ممکن است همزه (ه) ابتدایی کلمه یا کلماتی حذف شود. همان‌طور که می‌دانی، کلماتی مثل «آشپان»، «آبر»، «آراده» و... با واج همزه (ه) شروع می‌شوند. این همزه ابتدایی کلمات در صورتی که بعد از یک صامت قرار بگیرد، ممکن است حذف شود؛ در این صورت در نوشتن خط عروضی، همزه (ه) حذف می‌شود.

واعظان کاین جلوه در محراب و منبر می‌کنند چون به خلوت می‌روند آن کار دیگر می‌کنند

وا	ع	ظا	کیلا	جل	و	در	مح	را	ب	من	بر	می	ک	ند	پایه‌های آوایی
چن	ب	خل	وت	می	ز	ون	دای	کا	ر	دی	گر	می	ک	ند	
-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	کلا	نشانه‌های هجایی
-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	کلا	
وزن		فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن				

در هجای هشتم مصراع دوم از اختیار حذف همزه استفاده شده است. به این صورت که صامت «ال» به مصوت «ا» متصل شده و «می‌روند آن» به صورت «می‌روندان» تلفظ و تقطیع می‌شود. اگر این بیت را بدون حذف همزه تلفظ و تقطیع کنیم، به‌طور کلی نظم به هم می‌ریزد و وزنی پیدا نمی‌شود. به این صورت:

وا	ع	ظا	کیلا	جل	و	در	مح	را	ب	من	بر	می	ک	ند	پایه‌های آوایی
چن	ب	خل	وت	می	ز	وند	دای	کا	ر	دی	گر	می	ک	ند	
-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	کلا	نشانه‌های هجایی
-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	-	-	-	ا	کلا	
وزن		فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن				

همان‌طور که می‌بینی، وقتی حذف همزه در این بیت رعایت نشود، نظم شعر به هم می‌ریزد و وزنی پیدا نمی‌شود.

جدول زیر را ببین. کلمات یکبار با حذف همزه و یکبار بدون حذف همزه هجابتندی شده‌اند. به تفاوت‌شان دقت کن:

واژه	با حذف همزه	بدون حذف همزه
دل آرام	دِ لا رام U - - U	دل آ رام U - - -
سراغاز	سِ را غاز U - - U	سِ ر آ غاز U - - -
دستافشان	دِس تِف شان - - - -	دِس ت اف شان - - U -
کمان‌ابرو	کِ ما نِب رو - - - U	کِ م ا نِب ر و - - - U
دانش‌آموز	د ا نِ ش ا موز U - - U -	د ا نِ ش آ موز U - - - -

**حواستون باشه:** لزوماً هر جایی که همزه بعد از صامت بیاد، حذف همزه نداریم؛ چراکه حذف همزه به اختیار شاعریه و ممکنه تو بعضی موارد اعمال شه و تو بعضی موارد هم اعمال نشه:

بسی این گاه را چون کوه سنگین می‌کند آن گاه چه آتش‌ها که در این کوه برپا می‌کنم هر شب

پایه‌های آوایی	ب	ت	ای	ک	ه	ا	ج	ن	س	م	ی	ن	د	ا	گاه
پایه‌های آوایی	چ	آ	تث	ها	ک	در	این	کوه	ن	س	م	ی	ن	د	ا
نشانه‌های هجایی	U	-	-	-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	گاه
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در این بیت، هیچ حذف همزه‌ای اتفاق نیفتاده است.

### تشخیص حذف همزه

لزوماً وقتی همزه بعد از یک صامت قرار بگیرد، همزه حذف نمی‌شود. برای اینکه متوجه حذف همزه بشوی، باید:

- در قدم اول، جاهایی را که همزه داریم و مشکوک است، مشخص کنی.
- در قدم بعدی، هجای متناظر را در مصراع دیگر بررسی کنی؛ یعنی اول باید بیت را تقطیع کنی، بعد ببینی در چه صورتی نظم بیت مطابق با وزن درمی‌آید. اگر همزه را حذف کنیم، هجاهای دو مصراع نظم حداکثری دارند یا وقتی این همزه حذف نشده باشد.

بیت زیر را ببین:

می‌سوزم از فراق تو روی از جفا بگردان هجران بلای ما شد یا رب بلا بگردان

پایه‌های آوایی	می	سو	ز	م	ف	را	ف	ت	رو	ی	ج	ف	ب	ن	دایره
پایه‌های آوایی	ه	ا	ب	لا	ی	ما	ش	د	یا	ر	ب	لا	ب	ن	دایره
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-	-
وزن	مفعول	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن

در دو موردی که رنگی شده، ممکن است همزه حذف شده باشد. بعد از بررسی هجای متناظر در مصراع دوم مشخص می‌شود در هجاهای چهارم و نهم مصراع اول، از اختیار حذف همزه استفاده شده است. در اولی «می‌سوزم از» به صورت «می‌سوزم» و در دومی «روی از» به صورت «رویزه تلفظ و تقطیع می‌شود».

**حواستون باشه:** برای این که سریع‌تر به وزن درست و اختیارات برسیم، باید ابتدا مصراع‌های رو که راحت‌تره، تقطیع کنیم؛ یعنی همین که می‌بیتیم مصراع اول دو مورد مشکوک حذف همزه داره، نشون میده که برای تشخیص وزن بهتره از مصراع دوم شروع کنیم.

حالا چند بیت هم به عنوان حسن ختام ببین:

**هفت طلب از باطن پیران سحرخیز      زیرا که یکی را ز دو عالم طلبیدند**

هم	مت	ط	ل	بز	با	ط	ن	بی	را	ن	س	خر	خیز
زی	را	ک	ی	کی	را	ز	د	عا	لم	ط	ل	بی	دند
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
-	-	U	U	-	-	U	U	-	-	U	U	-	U
وزن	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	مفعول	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل	مفاعیل

موردی که رنگی شده، ممکن است حذف همزه داشته باشد بعد از بررسی هجای متناظر متوجه می‌شویم همزه ابتدایی کلمه باید حذف شود و «طلب از» به صورت «طلبز» تلفظ شود. شکل دیگر وزن: مستعمل مستعمل مستعمل مستعمل

**بر سر آنم که گر ز دست برآید      دست به کاری زدم که فسه سرآید**

بر	س	ر	ا	نم	ک	مگر	ز	دست	ب	را	ید	
دست	ب	کا	ری	نم	ز	نم	ک	غص	ص	س	را	ید
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	U	-	-
-	U	-	-	U	-	U	-	U	U	U	-	-
وزن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن	مفتعلن

در سه موردی که رنگی شده، ممکن است همزه حذف شده باشد در هجای نوازدهم مصراع اول و دوم، از اختیار حذف همزه استفاده شده. در اولی «برآید» به صورت «برآید» و در دومی «سرآید» به صورت «سرآید» تلفظ و تقطیع می‌شود اما مورد اول حذف همزه ندارد و «بر سر آنم» نمی‌تواند به صورت «بر سرانم» تلفظ و تقطیع شود.

**گفتم ای سلطان خوبان رحم کن بر این غریب      گفت در دنبال دل ره گم کند مسکین غریب**

گف	ت	بی	نل	طا	ن	خو	با	رحم	ن	ن	بر	غ	ریب
گفت	در	ن	با	ل	دل	زه	نم	ک	ند	س	کین	غ	ریب
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وزن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

در دو موردی که رنگی شده، ممکن است همزه حذف شده باشد اما فقط در هجای سوم مصراع اول، از اختیار حذف همزه استفاده شده و «گفتم ای» به صورت «گفتمی» تلفظ و تقطیع می‌شود اما مورد دوم حذف همزه ندارد و «بر این» نمی‌تواند به صورت «برین» تلفظ و تقطیع شود، چرا که در این صورت نظم بیت به هم می‌ریزد.

**نکته:** ممکن است بررسی وقتی هر دو هجای متناظر دو مصراع اختیار دارند از کجا متوجه اختیار بشویم؟ یعنی وقتی هر دو هجای متناظر دو مصراع مشکوک به اختیار باشد، از کجا بفهمیم اختیار اتفاق افتاده یا نه؟ و اگر اختیار اتفاق افتاده، کدام هجا اختیار دارد؟ مصراع اول یا مصراع دوم؟ یا هر دو؟ عزیزم، همیشه سعی کن وزن کلی بیت را در نظر داشته باشی؛ یعنی اول سعی کن وزن بیت را مشخص کنی. اگر یادت باشد در درس دوم هم گفتیم وزن‌ها را باید حفظ باشی تا وقتی بیت را تقطیع کردی، نظم هجاهای بیت را سریع با یکی از وزن‌ها انطباق دهی و بتوانی سریع هجاهایی را که با وزن اختلاف دارند پیدا کنی و متوجه اختیارات شوی.

**گر پرتوی ز رویت در کنج خاطر افتد      خلوت نشین جان را آه از حرم برآید**

گر	پرت	وی	ز	رو	پت	در	ن	چ	خا	ط	رف	تد
خل	وت	نی	نی	جان	را	آ	قر	خ	زم	ب	را	ید
-	-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	-	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-	-
وزن	مفعول	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن

در موردی که رنگی شده ممکن است حذف همزه داشته باشند یا مقایسه هجاهای دو مصراع متوجه می‌شویم هجای نهم مصراع دوم بدون شک حذف همزه دارد و «آه از» باید به صورت «آهز» تلفظ و تقطیع شود، اما همزه کلماتی مثل «برآید» و «سرآید» چی؟ هر دوی این‌ها ممکن است اختیار داشته باشند و از آنجا که هجای متناظر هم هستند (یعنی روبروی هم قرار گرفتند و عیناً مثل هم هستند) با مقایسه نمی‌توان به نتیجه رسید.

پایه دوازدهم



در اینجا وزن را باید تشخیص بدهی و دو مورد را یک‌جور توجیه کنی که وزن بیت درست تر بیاید. با توجه به نظم هجایی و وزن متوجه می‌شویم این دو هجا هر دو حذف همزه دارند و «برآید» و «سراید» باید به صورت «براید» و «سراید» تلفظ و تقطیع شوند. شکل دیگر وزن: مستفعِلن فَعولن مستفعِلن فَعولن

**نکته:** اگر قبل از همزه، صامت «ن» ساکن بیاید (که قبل از آن هم مصوت بلندی باشد)، حذف همزه یا عدم حذف آن تأثیری در وزن شعر ایجاد نمی‌کند: مثلاً عبارت «جان آمد» هم می‌تواند به صورت «جان آمد» و هم به صورت «جانامد» تلفظ و تقطیع شود؛ چرا که در صورت عدم حذف همزه، «ن» ساکن بعد از مصوت بلند حذف می‌شود و مشکلی در وزن ایجاد نمی‌شود؛ البته بهتر است این موارد هم با حذف همزه تلفظ شود.

### در حجره دل خیال تو بنشست چون مشق تو در میان جان آمد

ذَر	حَج	ر	ی	دَل	خ	یا	لِ	ت	بِن	نَسْت
چَن	عِش	قِی	ت	دَر	م	یا	نِی	جَا	نَا	مَد
-	-	U	U	-	U	-	U	U	-	U
-	-	U	U	-	U	-	U	-	-	-
وزن	مفعول	مفاعِلن	مفاعِلین							

همزه ابتدایی کلمه در هجای دهم مصراع دوم حذف شده و «جان آمد» به صورت «جانامد» تلفظ می‌شود؛ اما عبارت «جان آمد» را بدون حذف همزه هم می‌توان تلفظ و تقطیع کرد که در این صورت هم، وزن هیچ آسیبی نمی‌بیند. فقط حواست باشد نسبت به همین مورد خاص، حذف یا عدم حذف همزه تأثیری در وزن ندارد!!! هجای نهم مصراع اول هم اختیار دارد که در ادامه این اختیار را بررسی می‌کنیم. شکل دیگر وزن: مستفعِل فاعِلات مستفعِل

### بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه

شاعر می‌تواند بنا به ضرورت، مصوت کوتاهی را بلند تلفظ کند؛ یعنی یک هجا مطابق وزن باید بلند باشد، اما شاعر به جای آن، هجای کوتاه می‌آورد و از اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه یا تبدیل مصوت کوتاه به بلند» استفاده می‌کند.

### تنت به ناز طبیبان نیازمند مباد وجود نازکت آزردۀ گزند مباد

ت	نَت	ب	نَا	ز	ط	بِی	بَا	نِی	بَا	مَنَد	م	بَاد
و	جَو	د	نَا	ز	ک	تَا	زُر	دِی	نِی	زَنَد	م	بَاد
U	-	U	-	U	U	-	-	U	-	U	U	U
U	-	U	-	U	U	-	-	U	U	-	U	U
وزن	مفاعِلن	مفاعِلن	مفاعِلن	فَعِلاتِن	مفاعِلن	فَعِلن						

همان‌طور که می‌بینی، شاعر در هجای دهم مصراع دوم به جای هجای بلند، هجای کوتاه (ی) آورده، پس شاعر از اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» استفاده کرده است؛ در نتیجه این هجا را باید به هجای بلند تبدیل کنیم تا وزن شعر به دست بیاید.

### تشخیص اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه»

برای تشخیص این اختیار باید حسابی دقیق باشی و مراحل زیر را موبه‌مو اجرا کنی تا از پس اختیار بر بیایی:

۱. اول زیر مصوت‌های کوتاهی که ممکن است بلند تلفظ شوند خط بکش.
۲. در این مرحله، چشمت را به روی اختلافات بلند و سعی کن وزن بیت را بدون توجه به اختیارات مشخص کنی.
۳. حالا موارد مشکوک را با وزن اصلی بیت مقایسه کن تا متوجه اختیارات به کار رفته بشوی.

### موارد مشکوک به اختیار

این اختیار را هر جایی نمی‌توان اعمال کرد؛ مثلاً مصوت کوتاه وسط کلمه را نمی‌توان بلند در نظر گرفت. این اختیار در سه مورد اتفاق می‌افتد. این موارد را در بیت‌ها مشخص کن و بعد ببین آیا اختیاری واقعاً به کار رفته یا نه.

**۱** مصوت کوتاه آخر کلمات: مصوت کوتاه «-» در کلماتی مثل «خانه»، «کاشانه»، «همه»، «رَمه»، «خسته»، «گفته»، «شانه» و... که با «ه = -» تمام می‌شوند و همچنین مصوت کوتاه «-» در کلماتی مثل «چو»، «تو» و... ممکن است بنا به ضرورت، بلند تلفظ شوند، در نتیجه هجای کوتاهی که با این مصوت کوتاه همراه بود، تبدیل به هجای بلند می‌شود تا وزن بیت به درستی مشخص شود.

## همه کارم ز خودکامی به بدنامی کشید آخر نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل‌ها

پایه‌های آوایی	ه	م	کا	زم	ز	خَد	کا	می	ب	بند	نا	می	ک	شی	دا	خر
نشانه‌های هجایی	ن	ه	کی	ما	ن	د	را	زی	ک	زو	سا	زند	ح	ق	فل	ها
وزن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در این بیت، مصوت کوتاه «ه» در پایان کلمه «همه» بنا به اختیار، بلند تلفظ شده تا هجایی که مصوت کوتاه «ه» دارد با هجای مقابل و در نهایت وزن اصلی مطابقت کند.

## حقا و به جانست ار توان کرد با تو به هزار جان ملاقات

پایه‌های آوایی	حق	قا	و	ب	جا	ن	ت	و	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت	ت
نشانه‌های هجایی	یا	ت	پ	ه	زار	ج	ج	م	لا	ق	ق	ق	ق	ق	ق	ق
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در این بیت، مصوت کوتاه «ه» در کلمه «تو» بنا به اختیار، بلند تلفظ شده است تا هجایی که مصوت کوتاه «ه» دارد با هجای مقابل و وزن اصلی مطابقت کند. شکل دیگر وزن: مستعمل فاعلات مستعمل.

**نکته:** ه / ه پایانی در کلماتی مثل «نه»، «توجه»، «نه» به (میوه به، بهتر) و... جزء اصلی کلمه است و در تقطیع حذف نمی‌شود؛ پس همیشه این کلمات با ه / ه تلفظ و تقطیع می‌شوند.

**مثال:** متوجه: مَ : هجای کوتاه (ل) + ت: هجای کوتاه (ل) + و ج : هجای بلند (-) + چه: هجای بلند (-).

**نکته:** مصوت کوتاه کسره اضافه (-): گاهی کسره اضافه یا نقش‌نمای اضافه‌ای را که بین کلمات قرار می‌گیرد، می‌توان بلند در نظر گرفت، در نتیجه هجای کوتاهی که با کسره اضافه همراه است، تبدیل به هجای بلند می‌شود.

## ای نفسی خرم باد صبا از بیمار آمده‌ای مرچبا

پایه‌های آوایی	ای	ن	ف	س	خر	ز	م	یا	د	ص	با
نشانه‌های هجایی	از	ب	ر	یا	را	م	د	ای	مر	خ	با
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در این بیت، کسره اضافه «ه» در هجای چهارم و نهم مصراع اول بنا به اختیار، بلند تلفظ شده تا هجای کوتاهی که با این مصوت‌ها همراه است با هجای مقابل و وزن اصلی مطابقت کند.

## از هر چه می‌رود سخن دوست خوش‌تر است پیغام آشنا نفس روح‌پرور است

پایه‌های آوایی	از	هر	چ	می	ز	ود	س	خ	ن	دوست	خ	ت	رست
نشانه‌های هجایی	پی	غا	م	ا	ش	نا	ن	ف	س	روح	پر	و	رست
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن

در این بیت، کسره اضافه «ه» در هجای نهم مصراع اول و دوم بنا به اختیار، بلند تلفظ شده تا هجای کوتاهی که با این مصوت همراه است با وزن مطابقت کند. شکل دیگر وزن: مستعمل مفاعیلن مستعمل فعل.

**حواستون باشه:** در مواردی مثل بیت بالا ممکنه در هر دو هجای متناظر هم در دو مصراع مورد مشکوک به اختیار داشته باشیم، به همین دلیل باید سعی کنی با تشخیص وزن صحیح و مقایسه هجای مشکوک، به اختیار برسی.

**۲** «و، عطف یا «و، ربط: «و، عطف یا «و، ربطی که در بیت به صورت مصوت کوتاه «ه تلفظ می‌شوند، ممکن است بنا به ضرورت، بلند تلفظ شوند. در نتیجه، هجای کوتاهی که با این مصوت کوتاه همراه است، تبدیل به هجای بلند می‌شود.

**گفتم ای غافل بینی کوه با چندین وقار همچو طفلان دانش پر ارغوان و یاسمین**

گف	ت	می	غا	فل	ن	بی	نی	کوه	با	چن	دیی	و	قار
هم	ج	طف	لا	دا	م	نش	پر	آر	وا	ن	یا	من	میین
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	U
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	U	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلن

در این بیت، «و، که به صورت مصوت کوتاه «ه تلفظ می‌شود، در هجای دوازدهم مصراع دوم باید بلند تلفظ شود تا هجای کوتاهی آگه با این مصوت همراه است با هجای مقابل و وزن مطابقت کند.

**برید و درید و شکست و بیست یلان را سر و سینه و پا و دست**

ب	ری	د	د	ری	د	ش	س	ت	پ	بست
ی	لا	را	س	ز	سی	ن	و	پا	و	دست
U	-	U	U	-	U	U	-	U	U	U
U	-	-	U	U	-	U	U	-	U	U
وزن	فعولن		فعولن			فعولن			فعل	

در این بیت، «و، که به صورت مصوت کوتاه «ه تلفظ می‌شود، در همه موارد به جز «و، آخر (بین پا و دست) باید بلند تلفظ شود تا وزن بیت به درستی مشخص شود.

**حواستون باشه:** ممکنه به بیثباتی مشابه بیت بالا برخورد کنی که تعداد اختیار استفاده شده تو اون خیلی زیاده. حتماً با خودت میگی «این سؤالاً رو که حتماً رد می‌کنم، چون اصلاً نمی‌فهمم وزنش چیه، چه برسه به اختیاراتش، اما عزیز دل، تو که وزن‌های رایج رو حفظی، فقط باید سعی کنی این نظمی رو که قبل از اعمال اختیار می‌بینی، با یکی از آن‌ها تطبیق بدی: پس چشمت رو اول به روی همه اختلاقات ببند و بین کدوم وزن به این نزدیک‌تره و می‌تونیم بگیریم با کمی بالا و پایین کردن بیت، اون وزن درمیاد. وزن رو که پیدا کردی، بعد اختیارات رو بررسی کن.

**نکته:** گاهی شاعر بنا به ضرورت، مصوت کوتاه «ه را فقط در کلمه «ه، (= ن)، بلند تلفظ می‌کند. در نتیجه، هجای کوتاه «ه، که با این نوع مصوت کوتاه همراه است، به هجای بلند تبدیل می‌شود.

**ه سبو پیدا در این حالت آب خوش بیین والله اعلم بالصواب**

ن	س	بو	پی	دا	د	ری	حا	ت	ن	آب
خ	ب	بی	ول	لا	ه	اع	لم	بص	ض	واب
U	U	-	-	-	U	-	-	-	U	U
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	U
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلن			

در این بیت، مصوت کوتاه «ه در کلمه «ه، بنا به اختیار، بلند تلفظ شده تا هجایی که با این مصوت کوتاه همراه است با هجای مقابل و وزن اصلی مطابقت کند.

**کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند**

گفتیم شاعر ممکن است بنا به ضرورت، مصوت کوتاهی را بلند تلفظ کند. برعکس این اختیار هم وجود دارد و شاعر می‌تواند بنا به ضرورت، مصوت بلندی را کوتاه تلفظ کند: یعنی یک هجا مطابق وزن باید کوتاه باشد، اما شاعر به جای آن، هجای بلند می‌آورد و از اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند یا تبدیل مصوت کوتاه به بلند» استفاده می‌کند.

## مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا      گرتو شکیب داری طاقت نماند ما را

مش	تا	قی	ی	ض	بو	ری	از	حد	گ	ذشت	یا	را
غیر	ت	ش	کب	دا	ری	طا	قت	ن	ماند	ما	را	
-	-	U	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
-	U	U	-	-	-	-	-	U	-	U	-	-
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن

همان‌طور که می‌بینی، شاعر در هجای سوم مصراع اول به جای هجای کوتاه، هجای بلند آورده است؛ یعنی شاعر از اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند استفاده کرده است. در هجای چهارم مصراع اول و هجای دوم مصراع دوم هم اختیار بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه را داریم. شکل دیگر وزن: مستعلن فعولن مستعلن فعولن

## تشخیص اختیار کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند

برای تشخیص این اختیار هم باید دقت زیادی داشته باشی و قدم به قدم با این مراحل جلو بیایی:

۱. اول زیر مصوت‌های بلندی که ممکن است کوتاه تلفظ بشوند خط بکش.
۲. در این مرحله، چشمت را به روی اختلافات ببند و سعی کن وزن بیت را بدون توجه به اختیارات مشخص کنی.
۳. حالا موارد مشکوک را با وزن اصلی بیت مقایسه کن تا متوجه اختیارات به‌کاررفته شوی.

## موارد مشکوک به اختیار

این اختیار را در مورد هر هجای بلندی نمی‌توان اعمال کرد. کاربرد این اختیار به موارد خاصی محدود است: پس در این اختیار وقتی می‌خواهی موارد مشکوک را مشخص کنی، سه شرط زیر را بررسی کن:

۱. مصوت بلند «سی» و «سوه»: این اختیار فقط در مورد مصوت بلند «سی» و مصوت بلند «سوه» اتفاق می‌افتد و مصوت بلند «ا» کوتاه تلفظ نمی‌شود.
۲. حرف آخر کلمه: این مصوت‌ها فقط وقتی حرف آخر کلمات باشند، می‌توانند کوتاه تلفظ شوند: پس مصوت «سوه» مثلاً در کلمه «جوراب» هیچ‌وقت کوتاه تلفظ نمی‌شود، اما مصوت «سوه» در کلمه «ابرو» ممکن است کوتاه تلفظ شود: چرا که آخر کلمه است.
۳. ساکن نبودن: شرط سوم آن است که اگر بعد از این مصوت‌های بلند، مصوت کوتاه یا بلند دیگری بیاید، می‌توانیم آن را کوتاه تلفظ کنیم؛ یعنی این هجای «سی» یا «سوه» نباید ساکن باشد؛ مثلاً در عبارت «ابروی دلدار»، مصوت «سوه» ممکن است کوتاه تلفظ شود: چرا که بعد از آن، مصوت کوتاه «ا» قرار گرفته، اما در عبارت «مامرو»، مصوت «سوه» نمی‌تواند بلند تلفظ شود: چرا که بعد از آن هیچ مصوتی نیامده و ساکن است.

**حواستون باشه:** بعد از مصوت بلند «سوه» یا «سی» و قبل از مصوت بعدی، ممکنه یه صامت «ی» که همان صامت میانجی‌ست، برای راحتی تلفظ قرار بگیره. این صامت «ی» رو که بین مصوت «سوه» و «سی» و مصوت بعدی اون قرار می‌گیره، میشه نادیده گرفت.

بررسی همه این شرایط باید قبل از بررسی بیت انجام شود: یعنی اگر بیتی این شرایط را داشت، در قدم بعدی، بیت را تقطیع می‌کنیم و موارد مشکوک را با هجای متناظر آن در وزن انطباق می‌دهیم، چون ممکن است شرایط باشد اما اختیار نباشد. حالا بیت‌های زیر را ببین و مراحل گفته شده را اجرا کن:

## پیش کمان ابرویش لابه همی‌کنم ولی      گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند

بی	ش	ک	ما	ن	اب	رو	یش	لا	پ	ه	می	ک	نم	و	لی
گوش	ک	شی	د	انس	ت	زاک	گوش	پ	من	ن	می	ک	ند		
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-
-	U	U	-	U	-	U	-	U	U	-	U	-	U	-	-
وزن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن	مفاعن	مفتعلن

مصوت بلند «سی» در کلمات «پیش» همی، کشیده، نمی‌کنده و مصوت بلند «اوه» در کلمات «ابرویش» گوش، به‌کار رفته، اما مصوت «سوه» فقط در کلمه «ابرویش» در آخر کلمه است. از آنجایی که بعد از مصوت «سوه» در این کلمه، مصوت «ا» قرار گرفته، این مصوت می‌تواند کوتاه تلفظ شود. (بین مصوت بلند «سوه» و مصوت کوتاه «ا» هم صامت «ی» قرار گرفته که می‌توان آن را نادیده گرفت.) حالا مطابق تقطیعی که می‌کنیم، می‌بینیم که این هجا باید کوتاه باشد، در حالی که بلند آمده است؛ پس اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» داریم.

منعم مکن ز عشق وی ای مفتی زمان معذور دارمست که تو او را ندیده‌ای

پایه‌های آوایی	مَن	عَم	م	تَمَن	ز	عِش	ق	و	بِی	مَف	تِی	ی	ز	مَی
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	U	-	U	-	U	ی	U	-
وزن	مفعول	فاعلاتن	مفاعیل	فاعِلن										

مصوت بلند می، در کلمات مفتی و ندیده‌ای و مصوت بلند او، در کلمه سو، به کار رفته‌اند. هر سه مورد هم آخر کلمه‌اند، اما فقط در کلمه مفتی، بعد از مصوت می، مصوت دیگری آمده است. در نتیجه، تنها هجایی که ممکن است اختیار داشته باشد، همین هجاست. حالا مطابق تقطیعی که می‌کنیم، می‌بینیم که این هجا باید کوتاه باشد، در حالی که بلند آمده است. پس اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» داریم. شکل دیگر وزن: مستعلن مفاعل مستعلن فعلن

مسند به گلستان بر تا شاهد و ساقی را لب گیری و رخ بوسی می نوشی و گل بویی

پایه‌های آوایی	مَس	نَد	ب	مَی	لِی	تَی	بَر	تَا	ه	دَ	سَا	قِی	رَا
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	-	-	U	U	-	-	-
وزن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن							

مصوت بلند می، در کلمات «ساقی، گیری، بوسی، نوشی و بویی» در آخر کلمه به کار رفته‌اند. بعد از مصوت می، در کلمه‌های «گیری و نوشی» مصوت آمده است. در نتیجه این دو هجا ممکن است اختیار داشته باشند. حالا مطابق تقطیعی که می‌کنیم، می‌بینیم که این دو هجا باید کوتاه باشند، در حالی که بلند آمده‌اند. پس اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» داریم. شکل دیگر وزن: مستعلن مفعولن مستعلن مفعولن

از چشم شوخش ای دل ایمان خود نگه دار کان جادوی کمان کش بر همزم هارت آمد

پایه‌های آوایی	اَر	چِش	م	شَو	خ	بِی	دَل	اِی	مَا	ن	حَد	ن	نَگَه	دَار
نشانه‌های هجایی	-	-	U	-	U	-	-	-	-	U	-	U	-	-
وزن	مفعول	مفعول	فاعلاتن	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن								

مصوت بلند او، در کلمه «جادو» در آخر کلمه به کار رفته است. بعد از مصوت سو، در کلمه «جادو» مصوت آمده، در نتیجه این هجا ممکن است اختیار داشته باشد. حالا مطابق تقطیعی که می‌کنیم، می‌بینیم که این هجا باید کوتاه باشد، در حالی که بلند آمده است. پس اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» داریم. همچنین در هجای چهارم مصراع دوم هم اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» داریم. ممکن است بررسی چرا هجای «م» را بلند حساب نکنیم؟ حب عزیز من، ما باید بر اساس وزن تشخیص بدهیم در چه هجایی اختلافی به وجود آمده است: یعنی از آنجا که وزن «مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن» است، می‌فهمیم که هجای سوم باید کوتاه باشد. پس این هجای سوم مصراع دوم است که باید به هجای کوتاه تبدیل شود. شکل دیگر وزن: مستعلن فعولن مستعلن فعولن

**نکته:** مصوت بلند سو، در کلمات تک‌هجایی مثل «سو، رو، بو، خو، کو...» نمی‌تواند کوتاه تلفظ شود، اما استثنائاً کلمه «سو» با اینکه تک‌هجایی است، می‌تواند کوتاه تلفظ شود. پس بین کلمات تک‌هجایی فقط و فقط کلمه «سو» می‌تواند کوتاه تلفظ شود. البته به شرطی که شرایط لازم برای این اختیار را هم داشته باشد: یعنی بعد از مصوت سو، یک مصوت بیاید. مثالی را که در ادامه آمده ببین:

پس — ی کاری فرستاد آن دگر تا ازین دیگر شود او باخبر

پس	سو	ی	کا	ری	ف	رس	تا	دا	د	گر
تا	ا	زین	دی	گر	ش	ود	او	با	خ	بر
-	U	U	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلن			

در این بیت، مصوت بلند «سو» در کلمه تکهجایی «سو» قبل از مصوت «ا» آمده است و شرایط لازم را دارد. (البته بین مصوت «سو» و مصوت «ا» صامت میانجی «ی» قرار گرفته که برای راحتی تلفظ است و مشکلی به وجود نمی‌آورد) حالا مطابق تقطیعی که می‌کنیم، می‌بینیم که این هجا باید کوتاه باشد، درحالی که بلند آمده است؛ پس اختیار «کوتاه تلفظ کردن مصوت بلند» داریم. البته در هجای سوم مصراع اول هم اختیار «بلند تلفظ کردن مصوت کوتاه» داریم.

**نکته:** برای تعیین هجاهای کلماتی مثل «بیا، زیاد، دیار، گیاه، خیال، خیابان، ناشیانه، عامیانه، اشراقیون، قیامت، سیاست، پیاموز و...» باید آن‌ها را به صورت «زیاد، دیار، خیال، خیابان، ناشیانه، اشراقیون و قیامت» بخوانیم؛ پس هیچ اختیاری در مورد «ی» وجود نداشته است و مصوت بلند «ی» از ابتدا به صورت «ا» خوانده می‌شود، نه اینکه بخواهیم با استفاده از اختیار آن را کوتاه بدانیم.

پای استدالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود

پا	ی	اس	تد	لا	ل	یا	چو	ببین	ب	ود
پا	ی	چو	ببین	سخت	بی	تم	تم	کبین	ب	ود
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلن			

همان‌طور که می‌بینی، کلمه «استدالیان» به صورت «استدالیان» تقطیع می‌شود و «ی» هیچ اختیاری ندارد.

پایه دوازدهم

نمونه تست:

اینجا هم از گزینه‌های شروع کن که موردای مشکوک کمتری دارد. سعی کن ریتم و وزن رو هم با مصراعی تشخیص بدی که راحت‌تره.

۱. در کدام گزینه اختیار «حذف همزه» صورت نگرفته است؟

- ۱) گر ز من یادآوری بنویس آنجا قطعه‌های
- ۲) ای صبا آرام جانی چون رسی آنجا که دانی
- ۳) هر کجا باشم دعا گویم همی بر دولتت
- ۴) گر دهد عمرم امان رویت ببینم عاقبت

پاسخ: گزینه ۲

این بیت هیچ حذف همزه‌ای ندارد.

ای	ض	با	ا	را	م	جا	نی	چن	ر	سی	آ	جا	ک	دا	نی
هم	ب	نن	گر	می	ت	وا	نی	یک	م	هم	م	ما	ک	فا	پت
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-
-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	U	-	U	-	-
وزن	فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلاتن			فاعلن					

بررسی سایر گزینه‌ها

- گزینه ۱: «یادآوری» باید به صورت «یادآوری» تقطیع و تلفظ شود.
- گزینه ۳: «باد آفرین» باید به صورت «بادآفرین» تقطیع و تلفظ شود.
- گزینه ۴: «ز انتظارت» باید به صورت «زانتظارت» تقطیع و تلفظ شود.